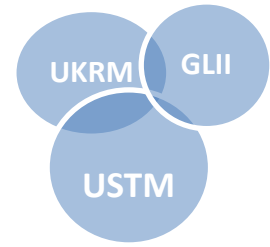


سال 1400



مدیریت نامه



مدیریت نامه ( حکمرانی ، رهبری ، مدیریتی )

UKRM= **U**seful **K**nowledge **R**ules **M**anagement

GLII= **G**overnmental **L**eadership of **I**slamic **I**ran

USTM= **U**nificational **S**ubscribes of **T**hree **M**odels

اثر محمود صانعی پور : خبره میان رشته ای ویادگیره مادام العمر

گنجی جاویدان از این خبره وطراح از منابع مبنائی منظومه های بصیرتی ( آراء مبتنی بر بصائر )  
( Opinions based on insightfull ) ورویکرد تعلیمی

رساله یا گفتار 60 : یاری رساندن به مظلومان از سرمایه استحقاقی خود مظلومان



Mahmoud saneipour

رساله 60 : یاری رساندن به مظلومان با استفاده از سرمایه استحقاقی خود مظلومان

1 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای ویادگیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید **UKRM**

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

**UKRM=Useful Knowledge Rules Management**

**GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran**

**USTM=Unificational Subscribes of Three Models**

## Discourse 60: Necessity befriending to the oppressed of the world

### A Short preface from author

#### مقدمه ای کوتاه از مولف

موضوع حق و باطل در سراسر جهان جاری است ، دنیا جایگاه مفیدیت ها و غیر مفیدیت ها است ، سخن حکیمان و راست گویا ( تعلیم 73) در سراسر جهان یگانه است ، مکتب ظلم ، شارلتانی ، غارت گری و چپاول حقوق مردم مظلوم در همه جا یک رویه ثابت است ولی مکانیزیم آن فرق میکند ، بد و خوب ، زشت و زیبا ، دشمنی و دوستی و... به انتخاب آدم بستگی دارد ، ربطی به ملتها و سرزمین ها ندارد ، خدا پرستی و فطرت خدائی در سراسر جهان جاری است ، درکنار آن شیطان پرستی به اغوای انسان پاک سرشت مشغول است ، انسان آزاد منش و حق خواه دردام شیطان نمی افتد ، ربطی به لباس ، نژاد ، سیاه و سفید و ملیت ندارد ، بستگی به انتخاب انسان دارد ( تعلیم 8) ، شرافت ، فضیلت و کرامت به سخن و اندرز نیست ، مربوط به عمل و رفتار انسان است ، مفیدیت جهانی بیش از ضررهای آنست ، کاخ و کوخ در کنار هم است ، در تمام سرزمین های فقیر ، منابع فراوان موجود است ، خود مظلومان با نیروی انسان 70 صد در جهان یک سرمایه هستند ، ذلت و سروری نتیجه تفکر و آرمان خواهی انسان است ربطی به کشورها ندارد ، آدم خوب همه جا پسندیده است و آدم بد در همه جا طرد میشود ، دانشگاه و زندان از هم جدا نیست ، همانطور که زشت و زیبا و حق و باطل در جوار هم هستند ، انسان عاقل درک درستی از این جریان ها و طیف ها دارد ، ولی آدم درس خوانده که عقلانیت درستی از انتخاب و آزادی ندارد ، از آدم های بی سواد خطرناک تر است و...ولذا در این فاصله های خوب و بد ، سرمایه خوب و سرمایه بد ، شما می توانید با آنالیز فاصله ، سرمایه های خوب را پیدا کنی و صاحبان این سرمایه ها را آموزش بدهید که از سرمایه های خود حراست کرده و به نفع خود سرمایه گذاری کنند ، این اقدام از طریق سیستم های دیجیتالی ممکن است ، همانطور که دزدی و چپاول گری از طریق سیستم دیجیتالی و اینترنت بیشتر ممکن است-مولف .

The issue of right and wrong is current all over the world; the world is a place of usefulness and non-usefulness, the words of the wise and the truthful are unique throughout the world (**Education 73**), School of oppression, Charlotte, looting and looting the rights of the oppressed people there is a fixed procedure everywhere but its mechanism is different, Bad and good, Ugly and beautiful, Enmity, friendship, etc. depend on one's choice, It has nothing to do with nations and lands, Godliness and the nature of Allah are prevalent throughout the world, the Satanism exists in it beside , Free-spirited man and the righteous do not fall

into the trap of the devil, It has nothing to do with nationality clothes and white and black, it depends by human choice(**Education 8**), Virtue and dignity are not in Wonders' words, It is related to human action and behavior, The global benefits outweigh the disadvantages, The palace and the hut are next to each other, in the lands of poverty exists poor's and Abundant resources are available, The oppressed themselves are a capital by %70 in the world, Humiliation is the result of human thinking and idealism It has nothing to do with it any countries , A good person is liked everywhere and the bad guy is rejected everywhere, university and prison are not separate, As ugly and beautiful and right and wrong are next to each other, The wise man has the understanding of From these currents and spectra, but educated man who there is no right rationality of choice and freedom, he is dangerous than unlettered man and .....and so in this gap interval space of ban and good , You can by analyzing the gap( **Gap analysis** ),find the good capitals and Educate the owners of these resources that Protected from the owners capitals and Invest in their favor, this action is possible through Digital electronics systems, As theft and plunder More is possible through the digital system and the Internet- author

تعریف مظلوم و ظالم

## Definition of the oppressed and the oppressor

### What is oppressor?

someone who treats people in an unfair and cruel way and prevents them from having opportunities and freedom:

کسی که تهدیدی است برای مردم و بی انصاف و بی عدالت ، ظالم و ممانعت کننده مردم از داشتن فرصت ها و آزادی ها

مثال های دیگر از ( *Cambridge University Press* )

## EXAMPLES of oppressor

3 | Page

محمود صناعی پور خیره میان رشته ای و یاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی در موضوع حکمرانی ، رهبری و مدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

**UKRM=Useful Knowledge Rules Management**

**GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran**

**USTM=Unificational Subscribes of Three Models**

## Opressor

**They extricate themselves from appalling conditions and bravely confront their villainous oppressors, while through coincidental circumstances they are elevated to a higher social position.**

کسانی که رها میکنند خودشان را از شرایط لازم (مثل رعایت قانون) و خیره سری میکنند از طریق شرارت و بد ذاتی در ظلم کردن، هنگامیکه اتفاقات و اوضاع و احوال جامعه به آنها مجال تصاحب صندلی، مقام، جاه و مکان و فرصت میدهد (شناور قابلی بودند، ولی استخر بلورین با آب زلال چون اشک چشم یتیم پیدا کنندمولف)

بقیه مثل های زیر را خواننده محترم به فارسی ترجمه کند

*From the [Cambridge English Corpus](#)*

**The final positions put the oppressors at the edge of the stage pushing the young men, who was almost falling over.**

*From the [Cambridge English Corpus](#)*

**The blond man playing the *oppressor* indicated he had no money.**

*From the [Cambridge English Corpus](#)*

**The masses identify the high status language and its objectives as belonging to exploiters, segregationists and oppressors.**

*From the [Cambridge English Corpus](#)*

**The spect-actor refused to dig and resisted his *oppressor*, who wanted to take him to the man on the chair.**

*From the [Cambridge English Corpus](#)*

**The effect of their rebellion on their oppressors is likewise devastating.**

*From the [Cambridge English Corpus](#)*

---

4 | Page

محمود صناعی پور خیره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی، رهبری و مدیریت، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com), [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com), mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

**UKRM=Useful Knowledge Rules Management**

**GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran**

**USTM=Unificational Subscribes of Three Models**

Which was the *oppressor* of women, the individual ie or the political system?

From the [Cambridge English Corpus](#)

More significantly, though, it gives them a space or platform from which to take on their oppressors.

From the [Cambridge English Corpus](#)

Narratives of cultural oppressors are intended to mobilize populations to gain political power, territorial autonomy, and legal protections for language and culture.

From the [Cambridge English Corpus](#)

But to take this to the extreme by falsifying the truth to please oppressors was the obverse of decency.

From the [Cambridge English Corpus](#)

As the oppressors pushed them with the chairs, they resisted and struggled until the oppressors retreated, while the spect-actors remained on stage.

From the [Cambridge English Corpus](#)

That, presumably, is the description under which oppressors discriminate against, oppress and exclude members of those classes.

From the [Cambridge English Corpus](#)

But this story also complicates the portrayal of the staff members as oppressors in the performance.

From the [Cambridge English Corpus](#)

These examples are from corpora and from sources on the web. Any opinions in the examples do not represent the opinion of the Cambridge Dictionary editors or of Cambridge University Press or its licensors

مثال های فوق بخش کوچکی از پیام ها و پاسخ ها و از منابع در وب ها و عقاید و مثل هائی که در لغت نامه کامبریج ادیت نشده است، ولی درموقع اعطای گواهی نامه ها و پروانه های به کسانی با گرفتن مدرک دکترا، شتابن به جستجوی صندلی با امضاءهای طلانی ماراتن وار مسابقه میدهند ، با لباس هاس مختلف ، با شکل های و صورت های مختلف ، و با رفتارهای مودبانه ، تملق گویی و مداحی و... خودرا در مناصب ها جا زده و... این ادبیاتی است که یکسان و مسری و تعمیم یافته در همه ادیان ، نحله ها، دولت ها ، حکومت ها ، کشورها و غیره و نماینده ادبیات ظلم و تعدی به شکل دیگری و انمود کردن ، نمایش دادن ، روی نمائی کردن ، ، به زبان ، نژاد ، و... ربطی ندارد و یک انتخاب است از حق یا باطل -مولف

سئوالات دیگران

**What is an oppressor person?**

**What is the meaning of oppressor and oppressed?**

**What does oppress mean example?**

**What does Oppress mean?**

**What is oppressed mean?**

**Definition of *oppressed***

burdened by abuse of power or authority Group identity in *oppressed* groups is always very strategic, always a calculation of advantage.— Shelby Steele They are neither *oppressed* minorities, whose needs have been etched into the nation's consciousness, nor members of the ruling elite, born with their hands on the reins of power.— Anthony DeCurtis

6 | Page

محمود صناعی پور خیره میان رشته ای و یاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری و مدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

**UKRM=Useful Knowledge Rules Management**

**GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran**

**USTM=Unificational Subscribes of Three Models**

تحمیل کردن از طریق بدترین سوئ استفاده ها و تعدی با اقتدار و قدرت نمائی خودش و یا گروه های تحت امرش ( گروه های فشار و تعدی ) در هرگونه استراتژی ممکن ، و یا محاسبات حداکثر کردن منافع و مزیت های برای خود با چنان تدابیر هوش مندانه ( هوش روباهی ) بدون اینکه نشانی از خود باقی بگذارند و یا مدرک و نوشته ای جای بگذارند که مردم و یا دولت بتواند بفهمد ( با زنجیره ها نهان و دست های نامرئی و دلالت های پنهان کار و بدور از بازرسان ساده دل و یا شریک قافله دزدان ) با چنان سرآمدی ، نخبگی ، زبدهگی ، گلچین کردن غارت و چپاول کرده و حقوق مردم را می ربایند که کسی ظنی نبرد و سیستمی آنها را پایش نکند ، مهارت کافی علمی و فناوری در ربودن ، دست انداختن ، بدست گرفتن افسار دولت و دولت مردان و محکم کردن پایه های قدرت ، من مولف گمان نمیکنم هیچ دین و آئین ضد ظالمی این چنین توصیف فوق را ارائه داده باشد که غرب انشاء کرده و سیستم های هوشمند را در جلوگیری از این متعدیان به حقوق مردم ایجاد و بروز میکنند ، چرا کار حکومت در عدل گستری سخت و دشوار است ( تعالیم 9 تا 16 ) ، برای ، کار ظلم آسان و هوشمندانه است ولی کار عدالت ، آسان گرفتن و اندرز گونه است که دلیل ناتوانی حکمرانی است .

در پاراگراف های می خوانید که تا کنون 1608 معنی در مورد ظالم ارائه شده که به همین مقدار برای شیطان بیان شده است ، بطوری میتوان گفت که اساس حکمرانی و اداره کشور ها بر اساس زدون ظالم و دفاع از مظلوم است و معنی توسعه و پیشرفت در همین اساس و پایه ها تنظیم و به طرح و برنامه و اجرای آن معطوف است ، بقیه کارها را مردم خودشان انجام میدهند ، و نیاز به حکومت برای شکستن دست ظالم و ارتقای مظلوم است و دیگر هیچ ، به عبارتی دیگر محبوبیت و معروفیت حکومت ها و دولت ها ، همین وجهه ملی ( National popularity ) است که مردم پسند میکنند و جلب محبوبیت عامه مردم میشود ، بقیه ریل گذاری ها که ربطی به ساز و کارهای عدالت گستری ندارد ، مورد عنایت مردم نیست ، مردم از دولت در انجام کارهای چیره دست ها و ماهر تر هستند ، و از همین نقطه ، سهم دولت و بخش خصوصی ، رقم می خورد ( تعالیم 17 تا 33 ) .

## First Known Use of *oppressed*

1608, in the meaning defined [above](#)

## Learn More About *oppressed*

## Share *oppressed*

## Time Traveler for *oppressed*

The first known use of *oppressed* was in 1608

[See more words from the same year](#)

## Dictionary Entries Near *oppressed*

[Oppress](#)

Oppressed

[oppressible](#)

[See More Nearby Entries](#)

## Phrases Related to *oppressed*

[The oppressed](#)

## Statistics for *oppressed*

Look-up **Popularity**

Top 3% of words

## Cite this Entry

“Oppressed.” *Merriam-Webster.com Dictionary*, Merriam-Webster, <https://www.merriam-webster.com/dictionary/oppressed>. Accessed 13 Sep. 2021.

Style: MLA

## Seen & Heard

People are talking about

[Ad Choices](#)

---

8 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید **UKRM**

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) , mahmoud saneipour expert and  
longlife learning (LLL) learned man

**UKRM=Useful Knowledge Rules Management**

**GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran**

**USTM=Unificational Subscribes of Three Models**



Sponsored

Please tell us where you read or heard it (including the quote, if possible)

**More from Merriam-Webster on *oppressed***

Thesaurus: [All synonyms and antonyms for \*oppressed\*](#)

English: [Translation of \*oppressed\* for Spanish Speakers](#)

Britannica English: [Translation of \*oppressed\* for Arabic Speakers](#)

سئوالات دیگران

**What does it mean if someone is oppressed?**

**What does oppress mean example?**

مکانیزیم های کشورهای توسعه یافته برای جلوگیری از ظلم کردن

**The mechanism of developed countries to prevent oppression**

|Feb 17, 2020, 01:21pm EST|23,011 views

4 Ways to Deconstruct Systems of Oppression

[Janice Gassam Asare](#)

Senior Contributor

[Diversity, Equity & Inclusion](#)

*I help create strategies for more diversity, equity, and inclusion.*

Follow

---

9 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) , mahmoud saneipour expert and  
longlife learning (LLL) learned man

**UKRM=Useful Knowledge Rules Management**

**GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran**

**USTM=Unificational Subscribes of Three Models**

## خلاصه ترجمه و تفسیر و تحلیل مولف:

**نظام تظلم خواهی یا دادخواهی** ( complaint ) یا ( [Oppressive systems](#) ) ، در کشورهای توسعه یافته در دادگاه های خلوت وبدون مشتری ویا یک اطاق دادرسی در کتابخانه های شهری ( برحسب مشاهدات عینی و تحقیقات این مولف) ، مشاهده و آشکار میگردد ، امری است مهم ، پی گیرانه و بروز کردن سیستم های کنترل و نظارت و درواقه قوی ترین منشور ومانیفست ( power manifests ) کشوری محسوب میشود ، فرهنگ غالب حاکی از آن است که گوئی این فرهنگ یک ادبیات مسابقه گذاشتن برای عدالت گستری را به جریان انداخته است ، نظیر ورزش که تجلی دادن آن یک رفتار وشهره شدن به این امر باشد که دیگر از دادخواهی درکشور خبری نیست ویک امر حاشیه ای است ، خانه بدون حصارودیوار ، بسته های پستی گرانبها را جلوی خانه گذاشتن ورفتن وهزاران نمونه از رفتار وفرهنگ نهادینه شده در سیستم های مترقی عدالت خواهی ، هر کس وکیل دارد برای هر 250 هزار یک وکیل ، درایران داشتن ۷۶ وکیل به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر و ۴۱ وکیل به ازای هر ۱۰ هزار پرونده، جزو کشورهای دارای کمترین وکیل دادگستری است؛ این در حالی است که میانگین جهانی به ترتیب ۲۴۰ و ۱۹۵ وکیل است. وکیل در ایران بسیار گران ووکیل برای کشورهای توسعه مثل پزشک خانواده تقریباً مجانی است ومردم با این سازوکار ها صیانت میشوند

**Oppressive systems** can be thought of as the structures within the greater society that allow inequities to continue. These systems allow the perpetuation of policies and practices that disadvantage marginalized groups. With the new decade upon us, more and more people are on a quest to become “woke” and understand how privilege and power manifests in society. Within the last few years books like [How to Be an Antiracist](#), [White Fragility](#), and [So You Want to Talk About Race](#) have reached the New York Times best seller list exposing the public’s increased desire to better understand the experiences of the marginalized. It is no longer a requirement to be a celebrity or be famous to have your voice heard and make an impact. The advent of social media has increased our interconnectedness, allowing us to gain a deeper appreciation of other people’s experiences. Each of us has the power to create changes that can reverberate beyond our own spheres of influence. What are some things we can all do to deconstruct oppressive systems and amplify the voices of the marginalized?

## اولین استراتژی (تعلیم 5) برای تنظیم این سیستم ها وسازوکار های گفتگو وبی پرده سخن گفتن است

، در تعمیم این جریان گفتمانی شهادت (witness) درست ویا نادرست ، عقوبت سختی دارد و جرائم بزرگی را بدنبال خواهد ، زندان رفتن ها کم و، جرائم کمر شکن ونقره داغ کردن است ، دادن بروشورها دستورات العمل ها ( پروتکل) برای آگاهی دادن مستمر ، یک آموزش رفتاری-فرهنگی است ، شخصاً دیدم جریمه نداشتن کلاه کاسک برای دوچرخه سوار از قیمت دوچرخه بیشتر بود ، جریمه بی انصافی (unfair) در ژاپن مساوی با انتحار است ودر در کشورهای توسعه یافته غربی ، مساوی با یک حقوق ماهانه یا بیشتر ، درکنارش مجوز دادن به متخصص برای کار کردن بصورت آنلاین است ، خیلی کارها که ما انجام می دهیم برای آنها جوک است وسی آنان اینست که ابزار ها دستورات العمل ها بصورت کمک ابزار هاب واکنشی و فعال کننده یعنی کاتالیزور(catalyst) عمل کند ، اصولاً کاتالیزور های ترکیب شونده نیستند ، فعالیت فعل وانفعال تغییرات شیمیایی را تشدید کرده وسرعت میدهند (تعالیم 36 ، 36 ، 106 تا 108 از مولف)، به عنوان مثال ، مسابقه در نشان دادن یک رفتار خوب اجتماعی ، مستوجب پاداش است ، در بحث مفصلی که از نظریه امام امت (ره) در مورد " زندان ها را به دانشگاه تبدیل کنید " طی نامه های به دستگاه قضاء ، نوشتم که در استان ها ، این مورد به مسابقه بگذارید وببینید ، کدام استاندار ویا استان ، زودتر ، یک زندان را به مرکز آموزشی تبدیل میکند ، دادن بودجه برای ساختن زندان باید ممنوع شود ، اینها وهزاران مورد در تعلیم این مولف ، کشوررا خلایق جمعی تبدیل میکند ، دستگاه دولتی به نامه ها جواب نمی دهد بین ما وکشورهای توسعه ، تفاوت از زمین تا آسمان است -  
مولف

1. **Speak up.** If you witness or biased treatment taking place inside of your workplace, one of the most effective things you can do is to speak up. Prejudice and racism are learned behaviors; therefore they can be unlearned. Managers must ensure that the work environment is conducive to speaking up and pointing out inequities, in order for employees to feel compelled to do so, research suggests. In an environment where employees feel safe, there may still be some factors which can prevent them from speaking up. Each of us can learn to make a regular practice of pointing out inequitable treatment and bias that we witness, whether it is the perpetuation of stereotypes, prejudiced jokes or unfair practices. Speaking up may empower other employees and can be a powerful form of ally ship for marginalized communities. If you hear your friends or family making off-color jokes, let them know that what they said was not appropriate. Research suggests that we are more likely to trust the opinions of our friends and family when it

comes to many topics. Speaking up when you witness prejudiced behavior from those closest to you can be an instrumental catalyst to changing behavior.

**منابع یک کشور متعلق به ذی نفعان ، مستحقان وشهروندان آنست وظلمی از این بالا تر نیست که این مستحقان جزء محرومین ومستضعفان وکوخ نشینان کشور شوند وچپاول گران جزء صاحبان وثروت مندان وسازوکارهای آن باشد ،** این یک ننگیت برای کسانی است که حکومت را در دست گرفته اند، فرق کشور توسعه وکشوری که تفاوت در آمدی وقدرت خرید های از زیر فقر تا دادن سفارش لوکس ترین ابزار واسباب زندگی از کشورهای نظیر فرانسه ، آلمان و... در این دیدگاه است ، بقیه حدیث گوئی وقصه رنج ها وآلام است که به عهده شاعران وترانه خوانان گذاشته شده است ، یک حکومت رادیکال وخود بسنده ، زمانی این معنی ومفهوم درک میکند که کار از کار گذشته وبرکت به موقعیت ، برگشت پذیری از برکت داشتن به بی برکی سیر میکند وکار برکت بجائی میرسد که باید لگوونشان خودش را روی واکنس ویروس کرونا قرار دهد نه در سرزمین های خشک وبی آب وعلف ، واین عبرت است ، اگر بفهمد !!!!! ، مگر کشور ما منابع کم دارد ، ولی چون سیستم ندارد ، می تواند گفت که 85 درصد منابع خود را در اختیار ندارد ، این سازوکار وسیستم ومکانیزیم های حکمرانی است که زنجیره تولید وعرضه بسوی شهروندان تنظیم میکند ، در غیر اینصورت ، زنجیره های نامرئی با دست های نامرئی چنان ، عرصه را بر مردم ونظام تنگ میکند که راه چپ وراست خود را گم کند ، کشور بی شاخص ، بی مناط ، بی بصائر ربطی وفقد علمی وفناوری که بیک کارخانه مدرن توربین ساز دل خوش میکند وخبر ندارد که 80 درصد قطعات کارخانه های لوازم خانگی وصنایع کشور از خارج وارد میشود که ارز مصرف میکند وقیمت ها بر اساس ارز خارجی ارزیابی میشود ودر نهایت ، ما یک صنعت مونتاژ کاری داریم ( تعالیم 15 ، 26 تا 30 ، 106 تا 108 از این مولف) ، کشوری بدون شبکه های اطلاعاتی شفاف وبا قابلیت دست رسی آسان ، وچپاول با شبکه های هوشمند شبانه روزی با تمام تجهیزات ودلالان وواسطه های در میداعمل ، اخر این غفلت تا کی وتا کجا ، پی محور اصلاحات ( درتعلم 110 ومحورهای تحولی توسعه از این مولف) ، وجود سیستم های یک پارچه ، شبکه ها و رسانه های توسعه ودادن مرکزیت برای تسهیم عدالت ومنابع به شهروندان برابر قانون اساسی است ، این مرکزیت ارجاعات ( referrals center ) یک امر حکومتی ودر زمان بحران ، یک امر بسیجی از خبرگان وخردمندان جامعه وبا مکانیزیم های لازم مندرج در تعالیم است ، این اقدام سیستماتیک ، کل خوشه های تولیدی ، زنجیره واسط از تولید تا عرضه ، ساختار انبار های بزرگ ومیانی روزانه را با کلیه منابع تولید هماهنگ کرده ودر بخش خصوصی اجرا وبا نظارت مستمر سیستمی کنترل ونظارت وبر حسب نیازهای واقعی ونه اسراف گونه ، به تخصیص منابع می پردازد ، مکان یابی وزمان بندی وظرفیت های لازم وچرخه این شبکه های بهم پیوسته از نظامات ، عدالت گستری است ، عدل با حرف ، اندرز ، وعده واحکام دینی ، متحقق نمی شود!!!!!! .

2. **Share your resources**. Each of us has resources and opportunities we can share to help others. We can look no further than our vast networks to understand our abundance of assets. [Research](#) indicates that 85% of open positions are filled through networking. Sharing our networks with others can be an instrumental mechanism for deconstructing oppressive systems. We are more likely to have people who are similar to us within our networks, which is one insidious way that inequities persist. White people are more likely to have Whites in their network and Black people are more likely to have Blacks within their network, [research](#) indicates. If those within powerful positions in an organization are White and the majority of jobs are filled through referrals, this will produce a revolving door of the same types of people filling roles within a company. Share your resources and your network by introducing someone outside of your network to your coworkers and colleagues—this can be a powerful way to deconstruct oppressive systems. Make a LinkedIn introduction for individuals that may not normally cross paths. Something as simple as an introduction could manifest into a job opportunity and can have ripple effects in so many other ways.

### **PROMOTED ( ارتقاء و ترویج سیستم ها و شبکه )**

**فزون سازی ، بسط و تقویت ( Amplification )** نظیر روش گسترشی یونگ که مبتنی بر روان‌شناسی تحلیلی اصطلاحی در روانشناسی است که توسط کارل گوستاو یونگ برای متمایز ساختن نظریات و روش خود بسندگی و روان تفسیری و اینکه آنچه میدانم کافی به مقصود است را مورد بحث قرار داده است و توسط مولف تعالیم 114 گانه "حکمرانی ، رهبری، مدیریت " توسعه یافته است ، موضوع و سائق خودکام رواسازی که به موضوع راندن رهبر یا مدیر و مآلاً رانندگی کشتی نجات کشور ویا ریل گذاری معطوف میشود ، یک تحلی روان شناسانه است که تفسیر خود را از ارزش ها فلسفی ، نمادهای انتخابی و تصاویر ازلی و نظایر میگیرد ، آن هنگام که شخص از اکتساب لازم و کافی به خودآگاهی رسید برای ترمیم بخش ناخود آگاه و علم النفسی خود ، از عقل برهانی بهره میبرد ، گاهی ممکن نقش خودآگاه بیش از حد یک جانبه باشد ، مثل اقتصاديون مدعی که نتوانسته اند ، قیمت های حاصل از قیمت ارز 3200 تومان به ازای یک دلار را که سقف چسبیده است ، پائین بیاورند ، از این گونه تخصص گرایی و یک جانبه گرایی در کشور ما به وفور است ، ما به حفظ تعادل رهبری ویا تصمیم گیرنده با ناخودآگاه وی و درون وی با [رویاها](#) ویا از نظر ما علم حضوری ، تصاویری قدرتمندی را بذهن متبادر میکند که

گوئی علاج بحران ها از همین ناحیه صورت میگیرد ، مثل اینکه ما تکلیف خومان را به مخلوق و خلیفه خدا در روی زمین به خدا و سنت الله واگذار کنیم و مطمئن باشیم که امور در تمشیت امور و در شنیت اولی الامر اداره میشود و خیال خود و ملت خود را در این مسیر عاطفی از طریف فرافکنی و یا پاسخ های صریح و بی مهابا در موقعیت ها مختلف ، برتری و سرآمدی خود را نشان دهیم ، در حالی که این مشی هم با احکام و حیانی مخالفت دارد و هم با روانشناسی مدیریت که صدها کتاب در این مورد از محققان وجود دارد ، بدیهی است که ناخود آگاه و حتی هلم حضوری یک امر شخصی است ( **که در فرایند های تحقیقاتی این مولف تحت عنوان متافیزیک اقیانوس علم النفسی با فرضیات آزمون شده در تجربیات این محقق آمده است - مولف** ) لیکن امری اجتماعی و در برگیرنده مسائل حکمرانی و مدیریتی تجربه در کشورهای موفق نبوده است ، این احساس آگاه کننده یک محرک درونی برای ارتقاء بوده ، مثلاً حالت کاریزمائی رهبر را ارتقاء میدهد ولی بوی سیستم ها و نحوه کنترل و نظارت بر چپاول در نظام را توسط غارت گران و آقازاده نمی هد ، مفید است ولی سنخ گزار نسیت ، تحلیل گر نیست ، منظومه نگر و مولفه ساز نیست ، عوامل بیرونی را انگیزش نمی دهد ، یم توفیق بذات شخصیه است ، ربطی به کنترل ندارد ، روزی رسول اکرم (ص) شتر خود را زانو بند بست ، اعرابی سوال کرد : مگر شما به خداوند توکل نداری ؟ " رسول خدا پاسخ داد" با توکل زانوی اشتر ببند ( جوادی آملی، عبدالله، قم: مرکز نشر اسراء، 1377، صص 70-363 ) مثل اینست که ما به توکل به خدای منان ، دست به خلاقیت بزنیم ، اساس خلاقیت برای پول دار شدن طبقه مرفه بکار رفته است جزء اندکی که کاری به سفره مردم ندارد.

علاج در برون گرائی ها و درون گرائی ها و در روابط متقابلشان با هم است که بحثی از مولف ، و فوق گفتار یونگ ، یونگ کنش هائی فرض کرده و خود به تله خودبسندگی ( Self-sufficiency trap ) و این مشکل بسیاری از محققان و روانشناسان و غیره است ، ما قبول داریم که انگیزش ، تفکر ، احساس ، بصیرت که انگیزش زوج متضاد بصیرت و تفکر زوج متضاد احساس است. جهت گیری آگاهانه در فرد در جهت مدیریت ارتقاء میدهد و به دلیل اصل ترمیم ناخودآگاه ضد هر مورد در ناخودآگاه خواهد بود و دو مورد باقی مانده به منزله کنش های نیمه آگاه و کمکی به کنش برتر کمک می کند. ولی تحقیقات گسترده من نشان داد که وقتی از بصیرت می کنیم حدود سه هزار بصیرت ربطی و با مناط فنی وجود دارد ( تعلیم 83 ) پس بصیرت نه یک کلمه است و نه در این کلمه علمی نهفته است ، علم و فنون آن در بیرون بوده و مورد استفاده کشورهای توسعه یافته قرار گرفته است

یونگ دو منش درون گرا و برون گرا را با چهار کنش ترکیب نمود و هشت سنخ روانی ایجاد کرد. تعیین سنخ تحلیل گر را قادر می سازد تا از جهان بینی فرد و سیستم ارزشی او درک بهتری بیابد:

**صورت مثالی یونگ که ناقص است :**



## 1. خود و سایه

خود سالم عناصر خودآگاه و ناخودآگاه را سازمان می‌کند و متعادل می‌سازد. یک خود ضعیف فرد را در تاریکی و در معرض خطر غرق‌شدن در باتلاق تصورات آشفته و ناخودآگاه قرار می‌دهد. یونگ در کتاب (انسان در راه کشف روح خود) می‌گوید: (خود)... با (من) متفاوت است. (خود) تمامیت روانی ماست و از خود آگاهی و اقیانوس بی‌کران روح نشأت می‌گیرد. سایه معمولاً اشاره به یکی از ۲ مورد زیر دارد: (۱) قسمتی ناخود آگاه از شخصیت فرد که نفس خودآگاه آن را جزئی از خود نمی‌پندارد. به دلیل اینکه شخص معمولاً قسمت‌های کمتر خواستنی خود را رد می‌کند یا نسبت به آن‌ها بی‌اطلاع است، سایه معمولاً منفی است، یا (۲) گل ناخودآگاه، یا به عبارت دیگر، تمام چیزهایی که شخص نسبت به آن‌ها خودآگاهی کامل ندارد. با تمام این وجود، گاهی جنبه‌های مثبت هم در سایه شخص پنهان می‌شوند.

## 2. صورتک و روان‌انگاره

صورتک قسمتی از خودآگاه است که از طرف خود با جهان خارج سخن می‌گوید. (صورتک (persona) از کلمه لاتین ماسک تئاتر گرفته شده است) صورتک با طبقه اجتماعی، شغل، فرهنگ و ملیت شکل می‌گیرد. انسان در موقعیت‌های مختلف از صورتک‌های گوناگون استفاده می‌کند، اما یک صورتک عمومی را می‌پذیرد که متعلق به سنخ کنشی برتر اوست. جنبه ناخودآگاه صورتک روان‌انگاره است. یونگ از نام‌های نر و ماده برای روح به زبان لاتین یعنی روان‌مردانه (animus) و روان‌زنانه (anima) استفاده کرد. روان‌انگاره همیشه با جنسیت متضاد با فرد نشان داده می‌شود. روان‌انگاره یک سنخ باستانی است که می‌تواند تمام ناخودآگاه را بنماید. این پدیده ارثی و بی‌زمان است اما با تجربه واقعی فرد از جنس مقابل به خصوص پدر و مادر تغییراتی می‌کند. روان‌انگاره‌ها در رویاها، افسانه‌ها و تخیلات ظاهر می‌شوند، اما در عین حال فرافکنی هم می‌شوند و تصویر تحریف شده‌ای از افراد جنس مقابل ایجاد می‌نمایند.

## 3. خودآگاه و ناخودآگاه

روان‌شناسی تحلیلی با ساختار و پویایی روان سروکار دارد. روان به خودآگاه و ناخودآگاه تقسیم می‌شود و ناخودآگاه در خدمت ترمیم نقش خودآگاه است. هرگاه نقش خودآگاه بیش از حد یک‌جانبه باشد، ضد ناخودآگاه آن به‌طور خود مختار پدیدار می‌شود تا تعادل آن را حفظ کند. ناخودآگاه این کار را در درون با رویاها و تصاویر قدرتمند انجام می‌دهد. بسیاری اوقات جزء ناخودآگاه می‌تواند برونی شود و آشکار گردد که در این صورت فرافکنی نام می‌گیرد. این کار می‌تواند شامل پاسخ عاطفی شدید نسبت به شخص دیگر یا موقعیتی خاص باشد. یونگ بر آن است که هم خودآگاه و هم ناخودآگاه دربردارنده یک عنصر شخصی و یک عنصر جمعی است.

خودآگاهی شخصی متشکل از احساس آگاهانه و بی‌واسطه محرک‌های بیرونی و درونی و نیز اثر به‌جامانده از محرک‌های پیشین که قابل بازگشت به خودآگاه بلافصل انسان است.

خودآگاهی جمعی همان جهان‌بینی یا روح زمانه‌است که از باورها و سوگیری‌ها و ایستارها و اصول هر جامعه یا گروه مشخص تشکیل می‌شود.

ناخودآگاه شخصی دربرگیرنده عناصر زیر است: تجارب شخصی فراموش‌شده یا سرکوب‌شده - آثار به‌جامانده از محرک‌های بیرونی و درونی و آمیزه‌ای از اندیشه‌ها که خواه به دلیل ضعف و ناروشنی بیش از حد یا به دلیل سرکوب‌شدن هرگز به خودآگاه نرسیده‌اند.

ناخودآگاه جمعی از غرایز و اشکال موروثی ادراک یا اندریافت تشکیل می‌شود که هرگز فرد به آن‌ها آگاهی نداشته و در طول زندگی او به دست نیامده‌اند، بلکه وجه مشخص گروه کامل از افراد - خانواده، ملت یا همه نوع بشر - می‌باشد.

#### 4. منش‌ها و سنخ‌های روانی

تعیین جهت نیروی روانی بخشی کلیدی از کار تحلیل‌گر روانی است. یونگ برای کمک به این تحلیل مجموعه‌ای از سنخ‌های روانی را عرضه نمود. نیروی روانی را می‌توان در دو منش اساسی تقسیم‌بندی کرد:

- برون‌گرا: نگرش برون‌گرا از بیرون برانگیخته می‌شود و با عوامل بیرونی و عینی هدایت می‌شود.
- درون‌گرا: نگرش درون‌گرا از درون برانگیخته می‌شود و با عوامل درونی و ذهنی هدایت می‌شود.

#### روانشناسی و فرضیات یونگ با انتقادات سرسختی روبرو شده است

بحث ما در مورد ظلم وجور و ضد آن با عبارت قسط و عدل که اساس حکمرانی عصر ظهور است، حداقل با حکمرانی خودمان شاخص مند نکردیم، فقط حرف زده و دعای فرج خواندیم، این عیب بزرگ بر پیشانی ما حک شده است که نه شاخص داریم نه داده پردازی و نه سیستم که مدتی الگو سازی وزمینه ساز تمدن آینده باشیم، صدای قدرت یک کشور در بسته و نظام سیستم های ستم زدائی، غم زدائی، ناراحت نکردن امام - امت و خورد کننده ستم پیشگان و پی گرفتن منابع چپاول شده از قید و بند آنها و دادن به صاحبان است این سیستم ستم ستیزی ( **oppressive systems within society** ) است به نامه من به سازمان صدا و سیما در این مورد و هشدار به تکلیف قانونی این دستگاه در این مورد-مولف



3. **Amplification.** Each of us can amplify the voices of the marginalized through a number of different methods. When you read a story from someone who is of a different background than you, reshape, repost or like that story—share their story with your audience. There is a plethora of content that chronicles the experiences of, for example, transgender individuals, Black people, and immigrants. These can be found on [Medium](#), or even through a YouTube search. Sharing stories and content that resonates with you allows the reach of different voices to extend. In addition to using online resources to amplify the stories of the marginalized, we all have the power within our workplaces to amplify others. During a board room meeting, if an employee makes a suggestion that is ignored, repeat what it is that they said to magnify their reach. Women, for example, are [more likely](#) to be ignored in the workplace so men amplifying women's voices can be a powerful way to deconstruct **oppressive systems within society**.

**پشتیبانی خود را در عمل نشان دهید نه در وعده ، اول عمل کنید و بعد آنرا رونمایی کنید بطوریکه هم زمان با اثرات مثبت آن در جامعه باشد** ، یکی از اثرات شدید و بطور ضربه ای و با شدت و حدت فراوان با قدرت حکمرانی بی شائبه (selfless efforts) و بدون تعارف ، فشردن چپال گران و نازیدن عملی صاحب حق است ، بشرطی که دیرنشود و بنا به تحقیقات فراوان ، اگر این پشتیبانی صورت گیرد ، دونعمت بزرگ از این شکر بزرگ نصیب دولت و ملت میشود ، نعمت اول ظهور بداء ازاولی الامر است که همواره معجزه نظیر ، درخشش فجر انقلاب است که هنوز کمر دشمن روی تخت خواب خوابیده درد میکند و دوم رضایت ملت و وفور نعمت خواهد بود، این معنی ضربه ( **impact** ) از طریق سیستم ستم زدائی است ، مکانیزمی از این قوی تر نداریم ، شرط و شروط های دارد که به دانش خبرگی نیاز است ، یک تفاوت بسیار بزرگ و تانائیکی با سایر تحقیقات و سیستم ها دارد ، از جنس ( **securing VC funding** ) است ، ریسک هوشمندانه باتوکل به خدا است ، می توان در کوتاه مدت انجام داد ، غافل گیرانه است ، خلاقیتی در ابعاد و کیفیت ( **Patreon** یا **champion** ) است که تاریخ را میسازد و الگو میشود ، الگو اسلامی – ایرانی در اطاق در بسته و با تضارب افکار و جدل های فیلسوفانه بدیت نمی آید ، محل الگو در میداین رزم ؛ کشت و زرع ، مسکن سازی سریع با خودکاری مردم و هزاران مورد دیگر است . ( تعالیم ، 16، 37، 97 از مولف)

4. **Show your support.** One of the best ways to impact oppressive systems is by providing those in marginalized communities with your tangible support.

**This could be monetary or could involve our time.** Purchasing products or services from founders of color can make a **huge difference**. [Research](#) indicates the business owners of color have a more difficult time securing VC funding. I would encourage you to assess which women-led or minority-led companies around your city you can support. This could be coffee shops and restaurants, or clothing and beauty brands. The internet makes it easier than ever to find small businesses around your community to support. In addition, you can help fund creatives of color. Many creators have **Patreon** or Paypal pages for their audience to donate and support. Make monthly contributions to their Cash app or Venmo accounts. Donate funds to their cause. Volunteer your time to help support through mentorship. Making a concerted effort to be a patron of a minority-led business can help create more access and opportunity.

MORE FOR YOU

بیشتر بدانید :

[Performance Activism Personified: Why CBS's New Show 'The Activist' Is Extremely Problematic](#)

[Demetrius Harmon, Founder Of You Matter University, Is Changing The Way We Think About Mental Health](#)

[Sports Is Where Trans Nonbinary Runner Nikki Hiltz Found Themself](#)

Follow me on [Twitter](#) or [LinkedIn](#). Check out my [website](#) or some of my other work [here](#).

Follow

I am the author of the best-selling books *Dirty Diversity* and *The Pink Elephant*. I founded an award-winning consultancy, BWG Business Solutions, which was created to

...

18 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید **UKRM**

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

**UKRM=Useful Knowledge Rules Management**

**GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran**

**USTM=Unificational Subscribes of Three Models**

Read More

**1. Corruption is not only about bribes: People especially the poor get hurt when resources are wasted. That's why it is so important to understand the different kinds of corruption to develop smart responses.**

**2. Power of the people: Create pathways that give citizens relevant tools to engage and participate in their governments – identify priorities, problems and find solutions.**

**3. Cut the red tape: Bring together formal and informal processes (this means working with the government as well as non-governmental groups) to change behavior and monitor progress.**

**4. it's not 1999: Use the power of technology to build dynamic and continuous exchanges between key stakeholders: government, citizens, business, civil society groups, media, academia etc.**

**5. Deliver the goods: Invest in institutions and policy – sustainable improvement in how a government delivers services is only possible if the people in these institutions endorse sensible rules and practices that allow for change while making the best use of tested traditions and legacies – imported models often do not work.**

**6. Get incentives right: Align anti-corruption measures with market, behavioral, and social forces. Adopting integrity standards is a smart business decision, especially for companies interested in doing business with the World Bank Group and other development partners.**

**7. Sanctions matter: Punishing corruption is a vital component of any effective anti-corruption effort.**

---

19 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) , mahmoud saneipour expert and  
longlife learning (LLL) learned man

**UKRM=Useful Knowledge Rules Management**

**GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran**

**USTM=Unificational Subscribes of Three Models**

**8. Act globally and locally: Keep citizens engaged on corruption at local, national, international and global levels – in line with the scale and scope of corruption. Make use of the architecture that has been developed and the platforms that exist for engagement.**

**9. Build capacity for those who need it most: Countries that suffer from chronic fragility, conflict and violence– are often the ones that have the fewest internal resources to combat corruption. Identify ways to leverage international resources to support and sustain good governance.**

**10. Learn by doing: Any good strategy must be continually monitored and evaluated to make sure it can be easily adapted as situations on the ground change.**

**What are other ways we could fight corruption? Tell us in the comments.**

**Topics**

**Regions**

**[Health](#)**

**[Macroeconomics and Fiscal Management](#)**

**[Governance](#)**

**[Poverty](#)**

**[Digital Development](#)**

**[The World Region](#)**

---

20 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ،  
رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید **UKRM**

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) , mahmoud saneipour expert and  
longlife learning (LLL) learned man

**UKRM=Useful Knowledge Rules Management**

**GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran**

**USTM=Unificational Subscribes of Three Models**

رویکردی جدید ویاری رسانی همگانی

لزوم یاری رساندن به مظلومان جهان

## Necessity befriendng to the oppressed of the world

راه های ممکن غیر متعارف فعلی جهان

The feasible ways through current unconventional world

More Share Options •

Related research

[Recommended articles](#) •

[Cited by](#) •

[4](#)

[Dialogue](#)

Kappa Delta Pi Record

Published online: 16 Jul 2012

[Dialogue](#)

[T. Gilmour Reeve](#)

Research Quarterly for Exercise and Sport

Published online: 8 Feb 2013

[Dialogue](#)

[Margie Norman](#)

TACD Journal

---

21 | Page

محمود صناعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید **UKRM**

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

**UKRM=Useful Knowledge Rules Management**

**GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran**

**USTM=Unificational Subscribes of Three Models**

Published online: 20 Nov 2018

سئوالات دیگران

**What are the main ideas of Freire's Pedagogy of the Oppressed?**

**What is oppression according to Paulo Freire?**

**When the oppressed becomes the oppressor quote?**

**What is the conflict between the duality of the oppressed?**

سئوالات دیگران

**What are the benefits of befriending?**

**What is the message of the pastoral constitution on the Church in the modern world?**

**What is a befriending volunteer?**

**What is befriending in advocacy?**

عدل و عدالت گستری در چین چگونه است ؟

**What is justice like in china country?**

**JUSTICE SYSTEM IN CHINA**

در این قسمت عدل گستری در کشور 1.5 میلیارد نفری چین بدون نفت و گاز دنبال می میکنم

خلاصه ترجمه از مولف و با تحلیلی از مولف:

در عکس زیر می بینید کسی که در چین ظلم میکند به شدت مجازات میشود ، در اسلام دست بردن ، یک روش سنتی است ولی تعداد دست هائی که بریده شده بسیار محدود است ، ظلم ستیزی برای ایفای مردم یک تکلیف بدون تکلف و بی مهابا ، حتی در حد مقامات و روسای جمهور و یا اقربای آنان است ، منتسکیو میگوید : نام قاضی باید فقرات پیشت ظالم و خاطی بشدت بلرزاند ، بهر حال تنبیه ( **Punishment** ) یک نگه دارنده ( **protector** ) است ، سنتی و مدرن ندارد ، برای دزد و غارت گر به سنت و مدرنیته

22 | Page

محمود صناعی پور خیره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری و مدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

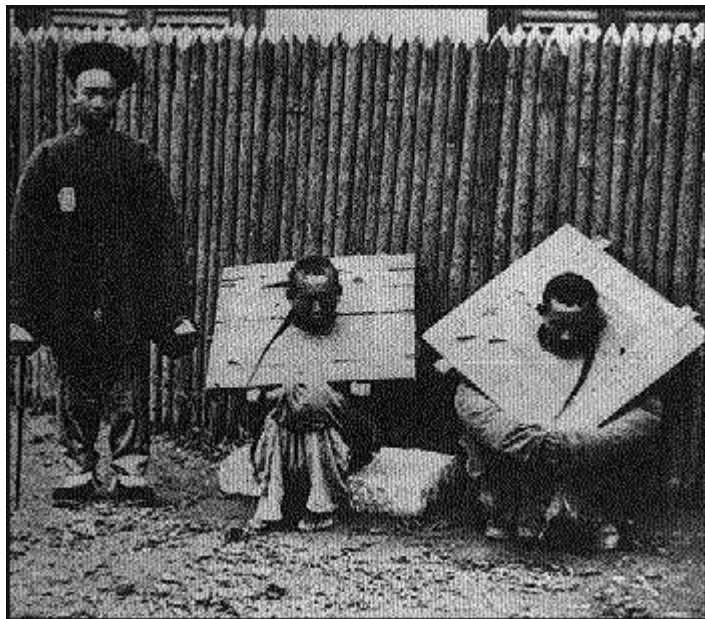
[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

**UKRM=Useful Knowledge Rules Management**

**GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran**

**USTM=Unificational Subscribes of Three Models**

کاری ندارد ، اخلاق ندارد که بگوئی این تنبیه سنتی است یا مدرن ، ، جائی بریا کرامت انسان بریا چپاول گران که کرامت میلیون انسان ها زیر پا گذاشتند و آنها به فساد و فحشا و هزاران بدبختی دچار کردند ، عدالت در کنگره چین ، یک ایده مسلم و بی چون و چرا ( **proven guilty** ) برای رفع تقصر و زودن مقصر است ، درکنار این مجازات می توان مسابقه داد که کدام استان کشور در تبدیل زندان به دانشگاه مسابقه می برد و استاندار قهرمان پیدا میشود ، جای فرد صالح در دانشگاه و جای خرابکار در زندان است ، نظام ما در این خیلی شل عمل کرده است و بجای دعای فرج باید برای حال و روز ما دعای مشلول ( در زبان شاهرودی "شلوک" ) را زمزمه کرد



**Punishment** in the 1920s The goal of the justice system has traditionally been to **protect** the interests of the state not the individual and to keep the masses under control. There is no independent judiciary in China. The courts are regarded as weak and subordinate to the Communist Party and **the National People's Congress. Chinese justice** is not based on the idea of innocent until **proven guilty**. For the most part one is guilty until proven innocent. People charged with **crimes** are nearly always convicted and sentences are rarely **overturned**.

برای دفع ظالم ( **crime** ) دعا لازم ندارد ، واژگون کردن ( **overturned** ) لازم دارد ، یک رئیس جمهور خاطی وارز فروش واژگون کن ، بقیه حساب کارخودشان را میکنند ، علی (ع) روی دست برادرش آهن گذاخته میگذازد و قبول نمی کند ، برادرش از مجازات معاف شود ، خواهر رئیس جمهور



کره جنوبی با رانت دولتی ، تقصیر شناخته میشود ، هم خواهرش زندان می‌رود و هم خودش عزل میگردد ، مسلمان هم نیستند ولی به اصول حکمرانی و عواقب ، تعلیم دیده اند .

China has a constitution with laws that are not all that different from laws in Western countries. The only problem is that these laws have traditionally been ignored, interpreted in strange ways or not enforced. There is a saying in China: **“Power is greater than the law, money is greater than the law and connections are greater than the law.”**

چین یک قانون اساسی ( **constitution** ) دارد که قوانین کشورهای غربی فرق میکند ، غربی ها عدالت را از راه سیستم ها و سازوبرگ های فناوری ، ایجاد کردند در نوع خودش خوبست در مطالب قبلی از غرب مثال آوردم ، ولی چین وقتی این توانائی را ندارد پروتکل هم توان خودش را ابلاغ میکند" قدرت بالا تر از قانون است پول بزرگتر از قانون است ولی وابستگی و قوام ملی بزرگتر از هر دوی آنها و قانون مربوطه است " ما چه داریم بگوئیم ، در سیستم گذاری ضعیف بوده و هنوز هم ضعیف هستیم ، بموقع عمل نکردیم ، در مقابل سران دولت که هرکاری را خواستند انجام بدهند و اقا زاده و رانت خواران و غیره مماشانات کردیم ، ازدحام دادگاه ها را هنوز هم کاهش ندادیم ، باید یک انصافی به خودمان بدهیم که در نزد خدا و سنت الله کم نیاوریم ، این انصاف شناسی چیست ؟ ، من میدانم چیست در تعالیم آورده ام ، دست خالی نیستیم ، باید تعلیم ببینیم .

Tons of new laws have been passed. Newspapers publicize them and give information about telephone helplines. In May 1996, the Chinese Parliament revised the Chinese criminal code providing defendants with greater access to counsel, **curtailed pretrial detention**, gave defense lawyers the chance to challenge prosecutors, and added the presumption of innocence. But so far these reforms have not found their way in practice to many local criminal courts. One new law allows plaintiffs, not just judges and prosecutors to present their own evidence in a civil case. **In 2004 there was discussion of introducing reforms to reduce the ability of the police to send people to labor camps without a trial.**

تناژها یا خروارها و کرورها ، کرور ( نیم میلیون ) قانون نوشته شده ، انبار شده ، قفسه ها شکسته شده و توسط موریانه های خورده شده است و نهایتاً نسخ شده ، از این میز به آن میز رفته و از این وزرات خانه به آن وزارت خانه رفته و... و روزنامه نقادی کردند و محققان پیرامون آنها به تفحص و اصلاح .. نشست



، چه وکلانی از این باب ثروت مند شده ، و چه قاضی ها رشوه گرفته و... و همه این انبارداری ه ، عدالت پروری ها، باندازه یک سری عملیات بازدارنده در میان عمل وقوی تر از مصلحت اندیشی با حکیم و خبره و نیروی خردمند جامعه نبوده و کوتاه کردن مسیر طولانی دادرسی ها ( در ایران بیش از ده سال) و حبس های طولانی و هزینه های گزاف و غیره ، درحالی که فقط به فقط به استواری حکومت و قوام عدالت احتیاج داریم که نیازمند به گستاخی و جسارت (**presumption**) و یا بقول امام امت به سلطه و سلطنت نیاز دارد ، به زهد زاهد ربطی دارد و نه به زندگی فقیرانه رهبری ارتباطی دارد که رسول خدا (ص) از همه مردم زاهد تر و فقیر تر ( الفقری فخری ) بوده و فرمان خدا را در مورد سنگ سار کردن ، دست بردن و غیره اطاعت کرده است ، آنهاست که خدای رحمان را برای اینگونه آیات نقد میکنند ، مورد ظلم و تعدی قرار نگرفته اند در ایتالیا بودم که اتومبیل مدیر سازمان دعوت کننده از من ، جلوی چشمان من و این مدیر دزدیدند و بردند و گروه مافیای ایتالیا از هر کاسب کاری و صاحب حقی ، چپاول میکند ، این مدیر بمن گفت " کار درست اسلام میدهد که دست این چپاول گران قطع میکند (!!!) ، امروز در چین عدالت اس ولی در کشور مدعی عدالت گستری یعنی ایران بقول رهبرش "عدالت نیست" چه کسی مقصر است ، چینی ها میگویند : **پلیس جزء یک خیمه گاه برای جمع آوری ستم کاران بدون هیچ آزمون و محاکمه ای نیست**"

**China's criminal justice system is steeply tilted in favor of the police and prosecutors.** The vast majority of cases turn on confessions by suspects who have no access to defense lawyers until long after interrogation, if ever. Defense lawyers are powerless to do much except argue for a lesser sentence. Convictions are all but assured. Andrew Jacobs wrote in the New York Times: "With a conviction rate of 98 percent, Chinese prosecutors almost never lose. In a bitter twist of fate, Gu Kalai, the lawyer wife of Bo Xilai that was famously convicted of murder in 2012, once expressed an unshakable faith in her nation's legal system, Jacobs wrote. In a book she wrote after visiting the United States in 1998 and successfully representing a Chinese company in a civil trial, she ridiculed the American justice system as doddering and inept. "They can level charges against dogs and a court can even convict a husband of raping his wife," she wrote. By contrast, China's system was straightforward and judicious. "We don't play with words and we adhere to the principle of "based on facts," she wrote. "You will be arrested, sentenced and executed as long as we determine that you killed someone." [Source: Andrew Jacobs, New York Times, August 9, 2012]

سیستم های ستم ستیزی چین ، پیش از سیستم پلیسی عمل میکند ، هوش مندانه مچ گیر است ، نیازی به شمشیر بازی در میدان زد و خورد نیست و یا منازعه در دادرسی های دادگاه ها نیست ، پرچم عدالت خواهی ما قبل از پلیس و دادگاه به اهتزاز در آمده است این کنگره ومشی های دادگستری اوست که از بطن مردم در بالاترین سطح حکمرانی زایش پیدا کرده است ، خود مردم ، هرکدام یک دادگاه هستند واز میان مردم ، مردمی خاص بنام دادگاه های مردمی از مردم میانه تحت عنوان بیژنگ دوم یا خان بالیغ یا پیتخت دوم ( Courts have names like the Beijing No. 2 Intermediate People's Court. ) که همان **امت وسط اسلام** وقران که طی نامه به آقای عسگری فرستادم که زمینه تبلیغاتی را آنرا فراهم این نامه که حاوی پیوست و پروتکل ومدل است ، در تعلیم 60 آمده است ، اگر شما خوانده اید ، آقای عسگری هم خواهد ؛ به صدها مقاله ، صدها رساله وده ها نامه هنوز کسی از سران پاسخ نداده است در نظام حکومتی ایران همه سران ، خود بسنده ودر ندانستن های خود خود تحدید حدود کنند هسندوشهره به نظامی ، پاسخ ندهنده -مؤلف

در تاریخ مسعودی از علی بن حسین مسعودی بنام مرج الذهب والتنبیه والاشراف که یک دانشمند شیعی بود ، خواندم که سفری نسبتاً طولانی به کشور چین داشت ، مسعودی اهل سفر بود وبسیاری از مشاهدات خودرا دراین تاریخ نگاری آورده است وی را از نسل عبدالله بن مسعود صحابی پیامبر(ص) به شمار آورده اند ، آنچه بیشتر در منابع انعکاس یافته، سفرهای متعدد وی به شرق و غرب عالم است. گفته اند که او در شرق تا سرزمین های هند ، سیلان ، **چین** و مالزی سفر کرد و در غرب به شمال آفریقا ، مغرب و ماداگاسکار رفت. وی در این سفرها با بسیاری از علما نیز دیدار کرد. از آن جمله محمد بن جریر طبری مورخ معروف، ابوبکر صولی، محمد بن خلف وکیع، حسن بن موسی نوبختی، ابو علی جبایی، ابوالحسن اشعری را می توان نام برد. مسعودی آثار فراوانی در علوم گوناگون زمان خود داشته که فقط دو کتاب تاریخی *مروج الذهب و التنبیه و الاشراف* باقی مانده است. بعضی، کتاب *اثبات الوصیه* را نوشته او می دانند؛ اما برخی در آن تردید کرده اند. مروج الذهب مهم ترین اثر علی بن حسین مسعودی است که به دست ما رسیده است. بنابر گفته خود وی در مقدمه کتاب، این اثر خلاصه ای از دو کتاب دیگر او به نام های *اخبار الزمان و اوسط* بوده است. این کتاب از منابع مشهور تاریخ و تمدن اسلامی به شمار می رود. مروج الذهب تاریخ عمومی جهان است که با داستان پیدایش آغاز شده و بعد از گزارش تاریخ سرزمین ها و ملل مختلف به تاریخ اسلام رسیده و وقایع تاریخ اسلام را تا سال ۳۳۶ پی گرفته است. مسعودی در این کتاب مشاهدات جغرافیایی خود را با مطالب تاریخی آمیخته، و اطلاعاتی درباره شرایط اجتماعی، عقاید، آداب و مردم شناسی سرزمین های گوناگون ارائه داده است. مسعودی این کتاب را در سال ۳۳۳ق نگاشته و در ۳۳۶ق آن را تکمیل کرد. با توجه به اینکه در برخی منابع، وقایع تاریخی سال ۳۴۵ق نیز از این کتاب نقل شده، به نظر می رسد مسعودی کتاب خود را بعدها نیز تکمیل کرده، اما نسخه های آن به دست ما رسیده است.

وی در سفر پر مشقت خود به دیار چین ، بدنبال ملاقات با خاقان چین بود که پس از اصرار زیاد ، بلاخره اجازه ملاقات وی را به خاقان دادند در ملاقات با خاقان ، شرحی از تاریخ نگاری خود به خاقان ارائه داده وخواست مدتی در چین اقامت کرده و تاریخ وجغرافیای چین را نگارش کند ، خاقان از وی پرسید : آیا محمد (ص) رسول خدا را ملاقات کردی ، گفت خیر ولی من مشخصات و شمایل حضرت را بارها مطالعه کرده و خوانده ام ، خاقان گفت : اگر ما عکس هائی به تو نشان دهیم می توانی تشخیص دهی ، پیامبر کیست ، مسعودی گفت آری ، چند تا عکس و نقاشی آوردند و جلوی مسعودی قرار دادند ، مسعودی دست روی عکس پیامبر گذاشت و خاقان قبول کرد که مسعودی ، آنچه گفته راست است و لذا بوی اجازه داد که تا مدتی لازم با هزینه دولت چین اقامت کند و وی را در نگارش تاریخ وجغرافیای چین راهنمایی کنند، گاهی ما خیال میکنیم که کشور چین در لاک خودش است و از جهان اسلام و پیامبران و ادیان دیگر بی خبر است ، من که تاریخ جهان را خوانده و تاریخ چین را با آن کسانی چون ارتشید سان تزو (نویسنده کتاب معروف هنر جنگ وی ) و حکیم و فیلسوف معروف و مشارعالیه و خزانه دار سان تزو یعنی کُنْفُوسیوس مشهورترین فیلسوف، نظریه پرداز سیاسی معلم و فیلسوف چینی را خوانده و درتعلیم 73 به عنوان هزاره حکیمان جهان به گرامی یاد کردم ، می فهمم که چین در کار حکمرانی چکاره است و چگونه داور اخلاق ، اعتماد به نفس ، کرامت انسان ، فضیلت شناسی و بسیاری از این ادبیات که برخاسته از قرآن کریم است در دانشگاه های خود به دانشجویان درس داده و اسلامی شناسی آن در عمل است نه در صدای گلو و آوای خنجره و نه آوای انتظار ، چقدر عقب هستیم خدا میداند که در حال غضب هم است. -مولف

The Supreme People' Court is the highest court in the land. Its judges are appointed by **the National People's Congress. Below the Supreme People' Court is Local People's Courts**, comprised of higher, intermediate and local courts. There are also Special People's Courts primarily for military, maritime and transportation matters. **Courts have names like the Beijing No. 2 Intermediate People's Court. The legal system is based on civil laws derived from the Soviet legal code and civil legal principles.** The legislature has the power to interpret statutes. The constitution is ambiguous on judicial review by the legislature. High courts sometimes hand out judgments not based on evidence but based on orders from Communist Party leaders.

با سیستم قانونی و مردمی و اساسی که کد ها و شاخص ها و الگوهای خود قبلاً از نظام شوروی سابق گرفته و در بستر تحقیقات و توسعه آنرا توسعه داده و Andrew Jacobs از محققان امریکائی مینویسد که شیوه چین در این مورد با دستورالعمل فازی (منطق فازی) به انگلیسی (fuzzy logic: شکلی از منطق های

چندارزشی بوده که در آن ... مجموعه‌های فازی به وسیله لطفی زاده (۱۹۶۵ م) از دانشمندان ایرانی تبار در صحنه محاسبات نو ظاهر شد) که البته نواقصی دارد که در تعلیم خود نقد کرده ام، روشی عملی نام برده و به امریکا توصیه نموده که بجای این همه زندان های مخوف، از این پروتکل ها استفاده نماید، ولی ما راه های بهتری داریم که الگوهای جهانی قرار گرفته است که میتواند رویکرد های کاربردی را در عدالت گستری نشان دهد، چین برای استرداد محرومین از کشوری به کشور دیگر یا حمله های عمدی مثل حمله با شمشیر به دیگری و صدها موضوع دیگر قاعده دادرسی دارد، کشورهایی نظیر چین، ژاپن، کره جنوبی و.. که جزأ کشورهای اسلامی نیستند ولی اسلام را خوب فهم کردند، می توانند در دادرسی ها وزودن چپاول گری بما کمک کنند و الگوهای موفق خود مثل الگوهای موفق علمی و فناروی به ما صادر کنند و ادعا نکنیم که یک کشور صنعتی هستیم و یا در عدالت خواهی بهترین سرمشق و سررشته های داریم

Andrew Jacobs wrote in the New York Times, “The contours of the Chinese legal system, as rights lawyers here know well, tend to be fuzzy. Petitioners are often thrown into extralegal holding cells known as black jails; dissidents are frequently cooped up in their homes for months on end; and domestic security agents have a variety of means to keep troublemakers in line.” [Source: Andrew Jacobs New York Times June 23, 2011]. China only has extradition policies with 37 countries. Sometimes sentences for crimes carried out outside of China are much lighter than those imposed for crimes in China. In August 2011, a Shanghai court sentenced a Chinese man to the relatively light sentence of 15 years in prison for murdering a taxi driver in Auckland, New Zealand because he “expressed remorse.” The man, who admitted to the crime, was not convicted of murder but for the China crime whose best English translation is “**intentional assault.**”

## Websites and Resources

Good Websites and Sources: China Law Blog [chinalawblog](http://chinalawblog.com) ; Internet Chinese Legal Research Center [ls.wustl.edu](http://ls.wustl.edu) ; Asian Law Center Links on China law [unimelb.edu](http://unimelb.edu) ; Basic Info on China’s Legal System [asnic.utexas.edu](http://asnic.utexas.edu) ; China.org, official Chinese government source on Constitution and Legal System [china.org.cn](http://china.org.cn) ; China.org, on People’s Courts [china.org.cn](http://china.org.cn) ; China’s Criminal Justice System [lectlaw.com](http://lectlaw.com) ; China’s Legal System [lawinfochina.com](http://lawinfochina.com) ; [faculty.cua.edu](http://faculty.cua.edu) ; Book: Bird in a Cage, Legal Reform in Chinese and Mao by Stanley B. Lubman

(Stanford, 2001).Crime in China: 2005 Statistics danwei.org ; China Crime News einnews.com/china ; 2009 Report by Overseas Security Advisory Council osac .gov/Reports Travel Warnings U.S. State Department Advisories : Travel.State.gov British travel warnings: fco.gov.uk . Australian travel warnings : daft. gov.au/ travel.Travel Advise Web Sites: Lonely Planet Lonely Planet Lonely Planet's Thorn Tree Thorn Tree

Links in this Website: CRIME IN CHINA Factsanddetails.com/China ; TRIADS AND ORGANIZED CRIME IN CHINA Factsanddetails.com/China ; POLICE IN CHINA Factsanddetails.com/China ; JUSTICE SYSTEM IN CHINA Factsanddetails.com/China ; EXECUTIONS AND PRISONS IN CHINA Factsanddetails.com/China ; HUMAN RIGHTS IN CHINA Factsanddetails.com/China ; DISSIDENTS, POLITICAL ACTIVISTS AND POLITICAL PRISONERS IN CHINA Factsanddetails.com/China ; TERRORISM AND BOMBINGS IN CHINA Factsanddetails.com/China ; GOVERNMENT IN CHINA Factsanddetails.com/China ; POLITICS IN CHINA Factsanddetails.com/China ; COMMUNIST PARTY IN CHINA Factsanddetails.com/China ; RIOTS AND DEMONSTRATIONS IN CHINA Factsanddetails.com/China ; CORRUPTION IN CHINA Factsanddetails.com/China ; FIGHTING CORRUPTION IN CHINA Factsanddetails.com/China

## History of Law in China





Legal knowledge poster the notion that the law is an instrument of control and discipline has been around for centuries and was the norm in imperial China. Laws were often the whim of the emperor. In 221 B.C. Emperor Qin set down strict disciplinary codes, brutally persecuted critics of his regime and set up a nationwide network of informants. In the Mao era things were often not those much different. The law was often simply what Mao decreed and anyone who opposed it could be dealt with harshly. The legal system that Mao set up was not all that different from the one of Emperor Qin. A Chinese book of autopsies, Hsi Yuan Chi Lu (“The Washing Away of Unjust Wrongs”) was published about A.D. 1247. Among other things it describes how to determine whether a person found in the water after a fire drowned or burned to death (fire victims have soot in their lungs but drowning victims can not necessarily be determined by water in their lungs). The first known example of insects being used to finger a killer occurred in 13th century China. Authorities investigating a slashing death asked villagers to hold up their sickles

30 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

**UKRM=Useful Knowledge Rules Management**

**GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran**

**USTM=Unificational Subscribes of Three Models**

and were able to figure out the killer because flies flew to the sickle which had been cleaned by still contained enough traces of blood to attract the flies. The Shang fang system---complaining to higher authorities about injustice in hopes that the authorities will mediate a fair settlement---was a cornerstone of the Imperial justice system. People with complaints and people who claimed they were victims of injustice drew together petitions and presented them to the government in hopes that a sympathetic official would embrace their cause. The process as one might expect was often arbitrary and unpredictable and likely produced more disappointments than righted wrong.

Qiao Shi was leader of the legal reform movement under Mao. Once the No. 3 man in the Communist Party he was purged after aggressively promoting legal reform. Many of the reforms he called for have since been enacted. In 1991, Deng Xiaoping announced a plan to train 150,000 new lawyers and develop a modern legal system. History of the Chinese Legal System during the Imperial Era Contemporary social control is rooted in the Confucian past. The teachings of Confucius have had an enduring effect on Chinese life and have provided the basis for the social order through much of the country's history. Confucians believed in the fundamental goodness of man and advocated rule by moral persuasion in accordance with the concept of li (propriety), a set of generally accepted social values or norms of behavior. Li was enforced by society rather than by courts. Education was considered the key ingredient for maintaining order, and codes of law were intended only to supplement li, not to replace it. [Source: Library of Congress]

“Confucians held that codified law was inadequate to provide meaningful guidance for the entire panorama of human activity, but they were not against using laws to control the most unruly elements in the society. The first criminal code was promulgated sometime between 455 and 395 B.C. There were also civil statutes, mostly concerned with land transactions. Legalism, a competing school of thought during the Warring States period (475-221 B.C.), maintained that man was

by nature evil and had to be controlled by strict rules of law and uniform justice. Legalist philosophy had its greatest impact during the first imperial dynasty, the Qin (221-207 B.C.). [Ibid]. “The Han dynasty (206 B.C.-A.D. 220) retained the basic legal system established under the Qin but modified some of the harsher aspects in line with the Confucian philosophy of social control based on ethical and moral persuasion. Most legal professionals were not lawyers but generalists trained in philosophy and literature. The local, classically trained, Confucian gentry played a crucial role as arbiters and handled all but the most serious local disputes. [Ibid]

“This basic legal philosophy remained in effect for most of the imperial era. The criminal code was not comprehensive and often not written down, which left magistrates great flexibility during trials. The accused had no rights and relied on the mercy of the court; defendants were tortured to obtain confessions and often served long jail terms while awaiting trial. A court appearance, at minimum, resulted in loss of face, and the people were reluctant and afraid to use the courts. Rulers did little to make the courts more appealing, for if they stressed rule by law, they weakened their own moral influence. In the final years of the Qing dynasty (1644-1911), reform advocates in the government implemented certain aspects of the modernized Japanese legal system, itself originally based on German judicial precedents. These efforts were short-lived and largely ineffective. [Ibid]

### **History of the Chinese Legal System under the Communists**

Between the Anti-Rightist Campaign of 1957 and the legal reforms of 1979, the courts--viewed by the leftists as troublesome and unreliable--played only a small role in the judicial system. Most of their functions were handled by other party or government organs. In 1979, however, the National People's Congress began the process of restoring the judicial system. The world was able to see an early example of this reinstated system in action in the showcase trial of the Gang of Four from November 1980 to January 1981. The trial, which was publicized to show that China had restored a legal system that made all citizens equal before the law, actually appeared to many foreign observers to be more a political than a legal



exercise. Nevertheless, it was intended to show that China was committed to restoring a judicial system. [Source: Library of Congress]. “During the Cultural Revolution justice was swift, arbitrary and often carried out by revolutionary mobs (See Below). During the fall of 1977, the People's Liberation Army (PLA) and militia began turning over the responsibility for public security to the civilian sector. Judicial and public security workers held meetings to seek ways "to strengthen the building of the legal forces . . . and socialist legal systems." A theoretical study group from the Supreme People's Court affirmed that the courts and the public security organs were solely responsible for maintaining public order, and they called on the people to accept the views of superior authorities. The government set out to reorganize completely all judicial procedures and establish codes of criminal law and judicial procedure as quickly as possible. Law schools were reopened, professors were rehired to staff them, and legal books and journals reappeared. The Ministry of Justice, abolished in 1959, was reestablished under the 1979 legal reforms to administer the newly restored judicial system. With the support of local judicial departments and bureaus, the ministry was charged with supervising personnel management, training, and funding for the courts and associated organizations and was given responsibility for overseeing legal research and exchanges with foreign judicial bodies. The 1980 Organic Law of the People's Courts (revised in 1983) and the 1982 State Constitution established four levels of courts in the general administrative structure. [Ibid]

“Books: Law and Society in Traditional China by Ch'u T'ung-tsu; Law in Imperial China by Derk Bodde and Clarence Morris; Law and Justice; Chinese Law Past and Present by Fu-shun Lin. Justice in Communist China by Shao-chuan Leng and The Criminal Process in the People's Republic of China, 1949-1963 by Jerome Alan Cohen are good sources on legal developments in the early years of the People's Republic, and Shao-chuan Leng and Hungdah Chiu's Criminal Justice in Post-Mao China is an indispensable source for Chinese legal developments in the 1980s. Other extremely useful articles providing information on the criminal justice and penal systems can be found in various issues of Faxue Yanjiu (Studies

in Law), Beijing Review, China News Analysis, and Foreign Broadcast Information Service, Daily Report:China. [Ibid]

### **Chinese Legal System during the Cultural Revolution**

The state constitution adopted in January 1975 during the Cultural Revolution drew its inspiration from Mao Zedong Thought. Equality before the law, a provision of the 1954 state constitution, was eliminated. Moreover, people no longer had the right to engage in scientific research or literary or artistic creation nor the freedom to change residences. Some new rights were added, including the freedom to propagate atheism and write big-character posters. [Ibid]. "Socialist legality" under the 1975 state constitution was characterized by instant, arbitrary arrest. Impromptu trials were conducted either by a police officer on the spot, by a revolutionary committee (the local government body established during the Cultural Revolution decade), or by a mob. Spur-of-the-moment circulars and party regulations continued to take the place of a code of criminal law or judicial procedure. [Ibid]. "For example, during demonstrations in Beijing's Tiananmen Square in early 1976, three demonstrators were seized by police and accused of being counterrevolutionaries in support of Deng Xiaoping. The three were "tried" by the "masses" during a two-hour "struggle meeting," a session where thousands of onlookers shouted their accusations. After this "trial," during which the accused were forbidden to offer a defense (even if they had wished to), the three were sentenced to an unspecified number of years in a labor camp. In contrast to the milder sentences of the 1957 period, sentencing under the state constitution of 1975 was severe. Death sentences were handed down frequently for "creating mass panic," burglary, rape, and looting. [Ibid]

### **Lack of Rule of Law in China**



Legal knowledge poster Traditionally, Chinese political philosophy emphasized an avoidance of conflict and maintenance of social harmony through deference to benevolent authority. Law and litigation were viewed as unnecessary in the view that the government and society were fundamentally moral. Disputes were something that was worked on the local level by respected elders. Even so sophisticated legal codes were developed and they have been augmented and influenced by Western legal codes in the past century and a half or so. Laws are weak. Enforcement is minimal. Punishments are often light. People can often weasel their way out even serious crimes with bribes as long as they pay enough. Laws are often muddled by internal contradictions and broad or distorted interpretations. Disputes are often settled through connections rather than rule of law. The “rule of law” has traditionally been subordinate to the rule of leaders and the codes of Confucianism and then Marxist-Leninism. It is not unusual for internal directives to be handed down to judges by the Communist Party ordering the judges not to take up certain cases. In recent years, as China has become more active in the global economy there has been more pressure for to abide by international rules and the rule of law. In the late 2000s the state firmed up its grip

35 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) , mahmoud saneipour expert and  
longlife learning (LLL) learned man

**UKRM=Useful Knowledge Rules Management**

**GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran**

**USTM=Unificational Subscribes of Three Models**

on the justice system when reformer Xiao Yang was replaced as president of the Supreme People's Court by Wang Shengjun, a career policeman with no legal training.

Explaining the laws for bus drivers in Europe worked a guide told a tour group of which Evan Osnos of The New Yorker was a member: "In China, we think of bus drivers as superhumans who can work twenty-four hours straight, no matter how late we want them to drive. But in Europe, unless there's weather or traffic, they're only allowed to drive for twelve hours!" He explained that every driver carries a card that must be inserted into a slot in the dashboard; too many hours and the driver could be punished. "We might think you could just make a fake card or manipulate the records---no big deal," Li said. "But, if you get caught, the fine starts at eighty-eight hundred euros, and they take away your license! That's the way Europe is. On the surface, it appears to rely on everyone's self-discipline, but behind it all there are strict laws." [Source: Evan Osnos, The New Yorker, April 18, 2011]

### **See Private Property, Business Customs, Economics**

"But while China was precocious in developing a modern state...and was far more advanced in state administration than the contemporaneous Roman Republic, Fukuyama wrote: "it lacked other critical political developments, rule of law and accountable government. Rule of Law means that there is a body of law that is superior to the current ruler, which constrains the ruler's decision making. This never existed in China the way it did in ancient Israel, Greece, Rome or India, in part because Chinese law was never grounded in religion. Rather the law was whatever the emperor said it was, and there was no institutional body in China that could overcome his decrees." "The consequence of a lack of rule of law was that China could experience extreme forms of tyranny. The first emperor, Qin Shi Huangdi, uprooted thousands of aristocratic families, confiscated their property, instituted extremely harsh punishments and reportedly buried alive 400 Confucian scholars, as well as burning their books." "Accountable government, or what we

call democracy, developed around the world at a much later time than either the state or rule of law. Accountability does not necessarily depend on popular elections. Rulers can be educated to have a sense of moral responsibility to the people they govern, in the absence of procedural checks on their power. This existed in China, and was in many ways the essence of Confucian ideology. But procedural accountability, by which either elites or ordinary citizens can constrain rulers, never existed in China. The historical reason for this in my view was the fact that from an early date, there were never strong institutionalized actors apart from the state, like a landed aristocracy, independent commercial cities, or a well-organized peasantry, that would have formed a counterweight to the state.”

### **Strong State and Lack of Rule of Law**

”China’s contemporary institutional legacy is thus a strong, centralized state and relatively good government. In the best of times, the Chinese state feels morally constrained to do the right things for its population in a way that is hard to replicate in other parts of the world. Thus virtually all the worlds’ successful authoritarian modernizers, including South Korea, Taiwan, Singapore, Vietnam and modern China, itself, are all located in East Asia and have historically been under Chinese cultural influence. They have compiled impressive economic and social development records when compared to comparable governments in Latin American, Africa or the Middle East. But Chinese tradition has not included rule of law or democracy and as a result, there are no institutional checks to prevent Chinese government from descending into despotism, as occurred during the Maoist period. ”Unaccountable Chinese-style architecture comes at a price. In traditional China, common people were subject to all sorts of injustices perpetrated by landlords, corrupt local officials, bandits and the like. When their land was taken by a corrupt official, they had no recourse other than to protest to the emperor, The emperor wanted his realm to well governed and would try to discipline corrupt or arbitrary officials. But unless the people petitioning him were powerful or had some means of access to the palace, they had little chance of



achieving justice...In many ways things are not all that different in contemporary China. "A lack of constraint by either law or elections means accountability flows only in one direction, upwards towards the Communist Party and central government and not downwards toward the people. There is a whole range of problems in contemporary China regarding issues like corruption, environmental damage, property rights and the like that cannot be properly resolved by the existing political system."

### Chinese Versus Western Law



Legal knowledge poster While the Romans and the Western cultures that followed put their trust in written laws, Confucius and his disciples and Eastern cultures that followed distrusted written laws and put their trust in people and innate human goodness. The Confusions developed a code of conduct that defined how human

beings interacted. This code of conduct was the basis of civil society rather than a written set of laws. Confucianism's social code is based on morality rather than laws: Confucius said: "If you govern by regulations and keep them in order by punishment, the people will avoid trouble but have no sense of shame. If you govern them by moral influence, and keep them in order by a code of manners, they will have a sense of shame and will come to you of their own accord." The 20-century Chinese historian Hsiao Kung-chuan wrote that if the early Chinese emperors had been exposed to Roman law "the Chinese of necessity would have undergone an absolutely different course of development in the thousand or more years thereafter." Even today the concept of written laws and written contracts is fairly weak in China and Asia. On written contracts and written laws, one Hong Kong businessman told the Independent, "In a truly Chinese environment you can plead your way out of the restrictions imposed by the law." One Harvard-educated lawyer, who did business in China, told the New York Times, "As a lawyer here I did incredible U.S.-style contracts that covered everything. But I always told clients that's not enough. You need to work on relationships."

## **Gap between the Rich and Poor in the Chinese Justice System**

Will Clem wrote in the South China Morning Post, "Two Shanghai court cases in the news in June 2011 serve to highlight the remarkable contrast between the haves and the have-nots in mainland society. In the first case, the offender was given a one-year jail sentence, suspended for one year; in the second, the verdict was for three years but suspended for five. On paper, one sterner than the other, but assuming both perpetrators keep their noses clean, the end result is not so different. The non-violent offences that landed them in the dock, however, could scarcely be further removed. [Source: Will Clem, South China Morning Post June 25, 2011]. The lesser crime involved an unemployed man in his fifties who decided to use his house keys to take out his financial frustrations on more affluent neighbours' cars. He reportedly said he "hated rich people" and had been angry

39 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ،  
رهبری و مدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) , mahmoud saneipour expert and  
longlife learning (LLL) learned man

**UKRM=Useful Knowledge Rules Management**

**GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran**

**USTM=Unificational Subscribes of Three Models**

about the fact he "didn't live a wealthy life". The scratches he caused to the nine vehicles' paintwork amounted to 19,900 yuan (HK\$23,955) in damage. The second case, by contrast, involved just under one billion yuan in illegal loans. Yan Liyan - listed in 2006 as the mainland's 56th richest man - had faced charges of embezzlement and contract fraud worth 2.7 billion yuan, but prosecutors were unable to substantiate the details. Instead, he was convicted of aiding and abetting two executives at a securities firm to use his companies to channel 937 million yuan in illegal loans to cover their losses on the Hong Kong stock market. Yan had been held in custody for two years ahead of the trial but it seems bizarre that he could be convicted of involvement in such large-scale corruption and leave the court effectively a free man. (The crooked executives, incidentally, were jailed for 13 and 12-1/2 years.) It would seem the punishment was lighter than even he had expected. When the sentence was announced, Yan smiled broadly and called out to his family: "We're going home together for dinner." The big question in all this is: where is the deterrent? And given the size of the temptation, substantial deterrent is needed.

## Arrests in China

ممانعت، بازداشت ، جلوگیری، توقیف کردن، بازداشتن، جلوگیری کردن در کشور چین

There are few protections against arbitrary arrests and imprisonment. "Custody and repatriation" is a practice used by police throughout China to put beggars, drunks, physically and mentally people and illegal immigrants behind bars. **People are often imprisoned if the police want them in jail they cannot produce an identity card.** The party sometimes sets quotas for the number of suspects arrested for different crimes. The acquittal rate for 6.2 million crimes committed between January 1998 and September 2006 was only 0.66 percent. If anything the situation is getting worse rather better. The acquittal for 760,694 crimes committed in the first 11 months of 2006 was 0.22 percent.

According to Chinese law pregnant women are exempt from arrest or fines. Some purposely engage in criminal activity. Chinese police are notorious for flouting the rules and arresting people planning to give testimonies the authorities don't want to hear. They



routinely use torture to extract confessions although, **under Chinese law, confessions obtained through torture are inadmissible in court.** Family visits are rarely allowed for suspects under criminal investigation until after they are formally charged. Chinese law allows police to impose residential surveillance for up to six months before requiring them to make a decision about how to proceed with a case, as opposed to 30 days under criminal detention. In the mid-2000s, the Chinese government said that it would start taping police interrogations to prevent forced confessions and the use of torture to extract confessions. The move was made after a highly publicized case involving a man that was imprisoned for murdering his wife for 11 years and was released after his wife turned up alive. The man had been tortured to extract the confession. After he was released a declaration of innocence from his arresting officer was found written in blood on a tombstone. The officer hung himself.

**See Arbitrary Detainment, Police, Human Rights**

### **Chinese Court System**

The State Constitution of 1982 and the Organic Law of the People's Courts that went into effect in 1980 provide for a four-level court system. At the highest level is the Supreme People's Court, the premier appellate forum of the land, which supervises the administration of justice by all subordinate "local" and "special" people's courts. Local people's courts---the courts of the first instance---handle criminal and civil cases. These people's courts make up the remaining three levels of the court system and consist of "higher people's courts" at the level of the provinces, autonomous regions, and special municipalities; "intermediate people's courts" at the level of prefectures, autonomous prefectures, and municipalities; and "basic people's courts" at the level of autonomous counties, towns, and municipal districts. [Source: Library of Congress]. According to the 1980 Organic Law of the People's Courts (revised in 1983) and the 1982 State Constitution there are four levels of courts in the general administrative structure. Judges are elected or appointed by people's congresses at the corresponding levels to serve a maximum of two five-year terms. The Supreme People's Court stands at the apex of the judicial structure. Located in Beijing, it has jurisdiction over all lower and special courts, for which it serves as the ultimate appellate court. It is directly responsible to the National People's Congress Standing Committee, which elects the court president. The Organic

Law of the People's Courts requires that adjudication committees be established for courts at every level. The committees usually are made up of the president, vice presidents, chief judges, and associate chief judges of the court, who are appointed and removed by the standing committees of the people's congresses at the corresponding level. The adjudication committees are charged with reviewing major cases to find errors in determination of facts or application of law and to determine if a chief judge should withdraw from a case. If a case is submitted to the adjudication committee, the court is bound by its decision. [Ibid]. "China also has special military, railroad transport, water transport, and forestry courts. These courts hear cases of counterrevolutionary activity, plundering, bribery, sabotage, or indifference to duty that result in severe damage to military facilities, work units, or government property or threaten the safety of soldiers or workers. Military courts make up the largest group of special courts and try all treason and espionage cases. Although they are independent of civilian courts and directly subordinate to the Ministry of National Defense, military court decisions are reviewed by the Supreme People's Court. [Ibid]



Gang of Four Trials

## **Trials in China**

### **دادرسی در دادگاه های چین**

There are no juries. Trials are presided over by three judges in uniforms with insignias with balanced-scales on them. Defendants are allowed defense attorneys. Prosecutors have traditionally won 99 percent of their cases and verdicts are

42 | Page

محمود صانعی پور خیره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری و مدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید **UKRM**

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

**UKRM=Useful Knowledge Rules Management**

**GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran**

**USTM=Unificational Subscribes of Three Models**

usually foreordained. Arrests are often announced after the prosecution has enough evidence to convict. “In almost all cases in China, defendants are quickly convicted and sentenced. Most trials are administered by a collegial bench made up of one to three judges and three to five assessors. Assessors, according to the State Constitution, are elected by local residents or people's congresses from among citizens over twenty-three years of age with political rights or are appointed by the court for their expertise. [Source: Library of Congress]. “Trials are conducted in an inquisitorial manner, in which both judges and assessors play an active part in the questioning of all witnesses. (This contrasts with the Western adversarial system, in which the judge is meant to be an impartial referee between two contending attorneys.) After the judge and assessors rule on a case, they pass sentence. An aggrieved party can appeal to the next higher court. [Ibid]. By law, defendants are entitled to a trial in lower and higher courts. Almost any case can be appealed or retried, even with no good legal justification to do so. Powerful groups often ignore court rulings and find ways to have them overturned through bribes or connections while the case is being appealed. An entire trial can take two or three hours or even less than that. One human rights activist said he was given only 20 minutes to mount a defense and was cut off when his time was up while the prosecutor was allowed much more time to present his case and allowed to carry on when his allotted time was up.

Some crimes such as drug possession, membership in Falun Gong and prostitution are considered to minor to waste with trial time and punishment in the regular prison system. In many cases people arrested on these charges are sentenced for up to three years without trial on recommendations from police committees and sent to special slightly-less-harsh prisons. There is a great deal of abuse with this system. The police have power to imprison people for whatever they want. Electric cattle prods are sometimes used on defendants in the courtroom. After activist Yang Chunlin was sentenced to five years in prison, his sister said, “When he left the courthouse we shouted at him that he must appeal. He said “No need.” and

turned to say more, but the police prodded him with an electric stick...I saw sparks, and then he was placed into a police car and driven away.”

See **Torture, Human Rights.**( طرد شکنجه درچین )

## Judges in China

Chinese judges are poorly trained and poorly paid. Many have no university education or legal training (in Shanxi Province one judge had only an elementary school education). Instead most judges are political appointees or former officers in the People's Liberation Army. **Many are retired military officers hired on the basis of their connections not their merits.** Many judges regard themselves as "soldiers of the state." They take orders from party-controlled trial committees and require approval from the state for promotions and salary increases, which means they can be manipulated by the government. Reformers want judges to be given more independence, **freedom and power.** Many judges are party members appointed with the approval of local party leaders. They are often expected to uphold the interests of the party and local business people as if they were party officials. Judges are manipulated by corrupt officials and routinely take bribes. Both plaintiffs and defendants routinely entertain judges and provide them with "travel expenses." Currently China is facing a shortage of judges because of higher standards demanded by a national exam for judges, because many trained and experienced judges are retiring or leaving for jobs in private industry, and because the courts have become so overloaded with corruption cases. In many poor regions and areas inhabited by ethnic minorities the judges are so few in number and so overworked that much of the work is handled by clerks who get the judge to sign off on their work.

## Lawyers in China

The number of lawyers has increased dramatically over the past few decades. In 1979, there were two law schools and 2,000 lawyers in China. In 1997, there were 200 law schools and 100,000 lawyers. In 2009 there were 165,000 lawyers, a five-

fold increase from 1990 but still about 50,000 fewer than you can find in state of California and small when compared to 850,000 lawyers in the United States, which has a fourth of the population of China. The majority of Chinese lawyers work in business but more and more of them are representing the poor and people who have been taken advantage of. Defense lawyers have their licenses subjected to annual renewal from authorities that often can arbitrarily fail to renew it. They also have to depend on the goodwill of police and persecutors to take even basic steps to defend their clients. So called “barefoot lawyers”---farmers who have educated themselves about the law---offer their advice to other farmers to help them solve their legal disputes. Lawyers are allowed to operate with more autonomy than judges but can face prosecution if they stir up public disorder or reveal information deemed sensitive or secret. In Beijing, the Beijing Judicial Bureau is an administrative agency that has supervisory authority over law firms registered in the capital. It charges high fees and often interferes in the cases carried out by firms under its jurisdiction.

These days lawyers who are stopped by obstacles in the bureaucracy and legal system but have the law on their side take case to the Internet to drum up public pressure to coerce the government to take their activities seriously. In 2006, rules known as “guiding opinions” were introduced that require Chinese lawyers to submit to government supervision when representing clients in politically sensitive cases. Addressed to the new breed of activist lawyers who have taken up social and environmental issues, the rules restrict lawyers from “stirring up” news media coverage and effectively take away the legal system as a way of fighting issues such as land confiscations, corruption, pollution and other issues deemed sensitive by the government.

## **Crimes and Counterrevolutionary Offenses**

The Statute on Punishment for Counterrevolutionary Activity approved under the Common Program in 1951 listed a wide range of counterrevolutionary offenses, punishable in most cases by the death penalty or life imprisonment. In subsequent

years, especially during the Cultural Revolution, any activity that the party or government at any level considered a challenge to its authority could be termed counterrevolutionary. The 1980 law narrowed the scope of counterrevolutionary activity considerably and defined it as "any act jeopardizing the People's Republic of China, aimed at overthrowing the political power of the dictatorship of the proletariat and the socialist state." Under this category it included such specific offenses as espionage, insurrection, conspiracy to overthrow the government, instigating a member of the armed forces to turn traitor, or carrying out sabotage directed against the government. [Source: Library of Congress]. "Other offenses, in the order listed in the 1980 law, were transgressions of public security, defined as any acts which endanger people or public property; illegal possession of arms and ammunition; offenses against the socialist economic order, including smuggling and speculation; offenses against both the personal rights and the democratic rights of citizens, which range from homicide, rape, and kidnapping to libel; and offenses of encroachment on property, including robbery, theft, embezzlement, and fraud. There were also offenses against the public order, including obstruction of official business; mob disturbances; manufacture, sale, or transport of illegal drugs or pornography; vandalizing or illegally exporting cultural relics; offenses against marriage and the family, which include interference with the freedom of marriage and abandoning or mistreating children or aged or infirm relatives; and malfeasance, which specifically relates to state functionaries and includes such offenses as accepting bribes, divulging state secrets, dereliction of duty, and maltreatment of persons under detention or surveillance. [Source: Library of Congress]. Criminal law makes special provisions for juvenile offenders. Offenders between fourteen and sixteen years of age are to be held criminally liable only if they commit homicide, robbery, arson, or "other offenses which gravely jeopardize public order," and offenders between fourteen and eighteen years of age "shall be given a lighter or mitigated penalty." In most cases juvenile offenders charged with minor infractions are dealt with by neighborhood committees or other administrative means. In serious cases juvenile offenders



usually are sent to one of the numerous reformatories reopened in most cities under the Ministry of Education beginning in 1978.

زنجیره های مافیائی ایران در فساد ساختار یافته چیست؟

یا در ایران «مافیا» وجود دارد؟ یا شبکه های خارجی مافیا در ایرات مستقر است



ISNA PHOTO  
Mona Hoobehfekr

روزگاری بود که بردن اسم مافیا و حرف زدن از فساد اداری، غیرعقلانی به نظر می‌رسید؛ چرا که بواسطه اندک بودن موارد کم‌علنی، بیم آن می‌رفت که گوینده به «نشر اکاذیب»، «تشویش اذهان عمومی» و عناوین مجرمانه‌ی مشابهی متهم شود. اما حالا آنقدر از فساد گفته و نوشته‌اند که دیگر افکار عمومی در برابر اخبار مشابه، واکنش پیدا کرده است. زمانی ماجرای رشوه‌ی چندصد میلیونی یک بظاهر «فعال اقتصادی» به تعدادی از مسئولان، حقیقتاً افکار عمومی را مشوش کرده بود اما با گذر از فساد سه هزار میلیاردی، ناپدید شدن دکل نفتی، اختلاس از این صندوق و آن صندوق، مؤسسات مالی غیرقانونی و بدون مجوز، دزدی چند صد میلیاردی از یک وزارتخانه و امثال آن، انتشار چنین خبرهایی

47 | Page

محمود صناعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models



چند روزی در مطبوعات و شبکه‌های اجتماعی می‌چرخد و با وقوع رویدادی جدید آن خبر از گردونه حذف و روی انبوه خبرهای مشابه تلنبار می‌شود. برخی منابع علوم اجتماعی، فساد را اینگونه تعریف کرده‌اند: «رفتار یک مقام بخش عمومی، اعم از انتخابی یا انتصابی که برای منفعت شخصی از وظایف متعارفش منحرف شود»؛ این تعریف نوعاً به تخلف و انحراف در ادارات دولتی اشاره دارد؛ تعریفی که با درک عمومی از فساد، کم‌بیش مطابقت دارد. با این حال «فساد»، مفهومی چندوجهی و دامنه‌دار است که به همین دلیل اندیشمندان به همین تعریف ساده بسنده نمی‌کنند و در تعاریف خود بصورت جزئی‌تری به انواع و اشکال گوناگون فساد توجه می‌کنند. رشوه‌خواری، حمایت از نزدیکان، کمک غیرقانونی به کمپین‌های انتخاباتی، تقلب، اختلاس، تبانی، اقدامات غیرقانونی، امتیازخواهی و ... گونه‌های مختلفی از فساد تلقی می‌شوند. (باید به موضوع فساد بطور منظومه‌ای نگاه شود، دولت سیزدهم محورهای تحول را 10 مورد میداند، من 110 محور احصاء کردم و مطمئن هستم، اگر خلایق و سوراخ ولایه‌ای از محور 110 گانه ملاحظه نشود، مافیا از همان جا، اکوسیستم جدیدی را دایر میکند، این قانون امپراطوری مورچگان است، فقط به ملکه توجه دارد، خارجی یا داخلی، می‌خواهد یزید باشد یا هارون الرشید یا مامون، فرقی نمی‌کند، صهیونیسم، یزدیان و هارون الرشید‌های زیادی در آستین دارد- مؤلف)

ریشه‌های تئوریزه کردن دلایل فساد به دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی برمی‌گردد که بسیاری از کشورهای مستعمراتی از بند استعمار آزاد شدند و پژوهشگران کوشیدند بفهمند چرا این کشورها از نظر اقتصادی و سیاسی آنطور که انتظار می‌رفت توسعه نیافته‌اند و به جای پیروی از الگوهای «موفق» کشورهای استعمارگر، در فقر و فساد غرق شده‌اند. از طرفی آن زمان برخی پژوهشگران و سازمان‌های بین‌المللی مثل بانک جهانی، مشکلات ناشی از وجود فساد را کم‌اهمیت جلوه می‌دادند و استدلال می‌کردند که وجود فساد موجب کوتاه شدن تشریفات اداری و کاغذبازی‌های معمول می‌شود؛ بنابراین حتی برای توسعه‌ی اقتصادی مفید است. در مقابل گروهی دیگر استدلال کردند که فساد به فقر و استبداد تداوم می‌بخشد، اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به مؤسسات بزرگ و سیاستمداران بی‌اعتنا به مردم، قدرت بیشتری می‌دهد. امروزه بانک جهانی و کشورهای قدرتمندی که به کشورهای فقیر کمک مالی می‌کنند، کمک‌های خود را به تلاش آن کشورها در راستای کاهش فساد مشروط می‌کنند. سازمان ملل متحد و اتحادیه‌ی اروپا نیز پیمانی برای مبارزه با فساد دارند؛ بنابراین فساد دیگر تسریع‌کننده‌ی روند توسعه یا مشکلی کم‌اهمیت قلمداد نمی‌شود. در ایران هم دولت «پاکدستان» که داعیه‌ی مبارزه با فساد داشت، سال ۸۷ طی لایحه‌ی «قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» را مطرح کرد که تصویب و ابلاغ شد. در این قانون فساد «هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت

عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید» و قوه قضائیه، قوه مجریه، وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مختلف طبق این قانون وظایف مشخصی در راستای اجرای قانون، آموزش و اطلاع‌رسانی، شفاف‌سازی و ارائه‌ی شاخص‌های میزان فساد اداری بر عهده دارند. به نظر تحلیلگران، فساد در حکومت‌های اقتدارگرا، تمرکزگرا و با اقتصاد بسته یا جوامع کم‌درآمد شیوع بیشتری دارد. ممکن است افراد کم‌درآمد برای افزایش دریافتی خود دست به فسادهای مالی جزئی با مبالغ اندک بزنند. در این جوامع مبادلات اقتصادی گران‌تر تمام می‌شود، سرمایه‌گذاری مولد محدود و در نتیجه درآمدها پایین می‌ماند. به این ترتیب چرخه‌ی فقر و فساد تداوم می‌یابد. از سویی در نظام‌های حکمرانی استبدادی، به علت نبود نظارت بر اعمال حاکمان، دامنه‌ی فساد گسترده‌تر می‌شود. در یک سیستم اقتصادی بسته، سیاستمداران این امکان را دارند که با آزادسازی اندک و گاه‌به‌گاه، از فشاری که برای کاهش سوءاستفاده‌هایشان روی خود احساس می‌کنند، بکاهند. **آنچه در 12 اصل مبارزه با فساد از دولت سیزدهم اعلام شده است ، بخش کوچک و ناقصی از مبارزه را برا شیوه مدیریت اداری نشان میدهد ، امیدواریم ، منظور آقای رئیسی این نوع مبارزه نباشد و طرح دیگری دارد - مولف)**

با این سه پیش‌زمینه، جایی که عمده‌ی تولید ناخالص ملی یک کشور به منابع طبیعی‌اش وابسته است، بروز فساد در میان سیاسیون و قدرت‌مندان غیر قابل کنترل می‌شود و افراد مفسد ب راحتی می‌توانند پول‌های حاصل کثیف را به حساب‌های خود در کشورهای دیگر منتقل کنند یا با راه‌اندازی شرکت‌های صوری یا خیریه‌ها، پولشویی کنند. در کشورهای که نهادهای ویژه‌ی برای نظارت بر امور سیاستمداران و حاکمان پیش‌بینی شده، جامعه‌ی مدنی فعال است و رسانه‌های مستقل فعالیت دارند، معمولاً نقض قانون بصورت صریح و علنی صورت نمی‌گیرد. در اینگونه کشورها اقدامات مفسدانه معمولاً افشا و پیگیری می‌شود. البته در کشورهای که اقتصاد آزاد دارند، رقابتی بودن بازار و ترس از دست‌دادن جایگاه اقتصادی یا مقام سیاسی، می‌تواند سرمایه‌داران بزرگ و سیاستمداران را وارد بدهبستان‌های نامشروع کند. با این حال جایی که جامعه‌ی مدنی فعال نباشد یا رسانه‌ی مستقلی وجود نداشته باشد، تغییر و جابجایی مقامات سیاسی لزوماً به از بین رفتن فساد نمی‌انجامد و نوعاً مقامات جدید هم بواسطه‌ی مصونیت از پیگردهای قانونی، وارد همان چرخه‌ی معادلات و معاملات فاسد می‌شوند که این حاکی از وقوع «فساد اداری» است؛ موقعیتی که در آن تمام یا بخش‌هایی از ساختار اداری، سیاسی و اقتصادی چنان دچار فساد شده که برای درگیر شدن مقامات جدید در چرخه‌ی فساد، تنها می‌توان دعا کرد! در چنین وضعی قدرت و ثروت بی‌حساب در دستان عده‌ای اندک است و در مقابل بیکاری، حاشیه‌نشینی و انواع ناهنجاری‌های ناشی از فقر عمومی، گریبان‌گیر قشر عظیمی از فرودستان و مستضعفان می‌شود. **(مراجعه شود به تعالیم مربوطه از مولف)**

مقابله با فساد بخاطر ماهیت پنهان این پدیده برای هر نظام سیاسی، چالشی بزرگ محسوب می‌شود. اما اگر عزم و اراده‌ای جدی برای مقابله با آن وجود داشته باشد، غیرممکن نیست. قدم اولی که پژوهشگران این حوزه پیشنهاد می‌کنند اندازه‌گیری سطح فساد از طریق مقایسه‌ی هزینه‌های صرف‌شده و اقداماتی است که در عمل انجام شده. مافیای فوتبال، مافیای سینما، مافیای چوب، مافیای کاغذ، مافیای کتاب، مافیای آب، مافیای ارز، مافیای دارو، مافیای سیگار، مافیای شکر، مافیای خودرو ... و حالا اوضاع طوری شده که اگر بشنویم برای واردات، تولید یا توزیع آبنبات چوبی هم مافیایی شکل گرفته تعجب نخواهیم کرد. اما اگر با شنیدن اسم مافیا به یاد گانگسترهای ایتالیایی و گروه‌های سازماندهی شده می‌افتید باید ذهنیت خود را در این باره تغییر دهید؛ در واقع آنچه از آن به عنوان مافیا یاد می‌شود، روندهای معیوبی است که بطور سازمان‌یافته شکل گرفته است. به این معنا که نظام اداری به دلیل وجود قوانین معیوب و تمرکزگرایی در نهادهای دولتی، به دولتمردان، سیاسیون و صاحبان قدرت امکان می‌دهد گاه بطور قانونی (رانت) و گاه بطور غیرقانونی وارد روابط مالی فاسد شوند. برای نمونه، مهرماه ۹۶ محمدرضا منصوری، نماینده‌ی مردم ساوه و زرنویه در مجلس نسبت به فراری دادن سرمایه‌گذار خودروساز خارجی (شرکت رنو) توسط مافیای حاکم بر خودروسازی داخل کشور هشدار داد و گفت: «مافیای حاکم بر صنعت خودروی کشور قصد فراری دادن این خودروساز خارجی را دارد که ثمره آن از دست دادن این میزان سرمایه‌گذاری و نیز هدر رفتن بالغ بر ۶ هزار فرصت شغلی است.»

**ابوالفضل ابوترابی نماینده مردم نجف‌آباد و عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس هم آذرماه ۹۶ گفته بود: «متأسفانه یک مافیای پیچیده و تودرتو در صنعت خودرو شکل گرفته که بی‌کفایتی مسئولان هم بر آن افزوده ... رانت و فساد در بخش واردات و تولید بیداد می‌کند و شرکت‌های خودروسازی داخلی کاسه چه کنم دست گرفته‌اند.» عیسی کلانتری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست نیز چند روز پیش درباره‌ی این مافیا اظهار کرد: «زور کسی در کشور به مافیای خودروسازی نمی‌رسد؛ ... شاید حتی زور رئیس جمهوری نیز برای جلوگیری از تولید این خودروها نرسد. در دولت قبل تصویب شد که خودروهای فرسوده باید به ازای خودروهای جدید از رده خارج شوند اما به دلیل قدرت صنعت خودروسازی در کمتر از یک ماه این مصوبه لغو شد.» در عین حال کمتر مدیر دولتی پیدا می‌شود که آشکارا از وجود مافیا در حوزه‌ی فعالیت خود سخنی بگوید؛ شهریور ۹۳، داوود بناب، قائم مقام مدیرعامل سایپا، وجود مافیا در میان مدیران صنعت خودرو را رد کرده و گفته بود: «طول عمر مدیران خودروسازی در ایران به یکی دو سال بیشتر نمی‌رسد و بقیه نیز کارمندان عادی هستند. بنابراین نمی‌توان نام مافیا را در صنعت بر آنها گذاشت؛ بنابراین باید دید که مافیای صنعت خودرو از کجا نشات می‌گیرد.»**

بر این اساس، مدیر یا مسئولی که وجود چنین پدیده‌ای را از اساس کتمان کند وجود ندارد و عمدتاً به دور کردن توپ از زمین خودی بسنده می‌کنند و معتقدند مافیا را در جایی غیر از حوزه‌ی مسئولیت آنان باید

جستوجو کرد. (چه نقد ها از دل سوزان مصادف شد با مشت ولگد ، چه تملق ها از چابلسان گردید  
صندلی و منزلت ، چه هشدارها از دشمن دانا ، شد دیری زود ، چه غزل گوئی ها از صندلی داران می  
شنود-مولف)

دی ماه سال ۹۴ محمدحسین پاپلی یزدی جغرافیادان و استاد دانشگاه فردوسی مشهد نیز در یک سخنرانی  
به وجود «مافیای آب» در کشور اشاره کرد و گفت: «مسئولانی که مدت‌هاست درباره‌ی آب حرف  
می‌زنند، یا نمی‌دانند یا نمی‌خواهند به اصل قضیه یا پشت پرده‌ی آب بپردازند... ۳۰ سال تمام فقط سه  
درصد بودجه‌ی وزارت نیرو مربوط به آب زیرزمینی بوده ... برای اینکه در آب زیرزمینی شرکت‌های  
گردن‌کلفت مشاور، نمی‌توانستند طرح‌های میلیاردی بگیرند؛ آنجا پول نبوده! ۹۷ درصد بودجه رفته به  
سمت آبهای سطحی؛ رفته‌اند سد بسازند چون میلیاردها پول درش هست. مافیای بسیار پیچیده‌ای حول  
محور اقتصاد آب در ایران تشکیل شده.» محمدرضا مقدم، معاون وزیر نفت نیز در مصاحبه‌ای به حضور  
مافیا در صنعت نفت ایران صحنه گذاشت؛ هرچند تأکید داشت که «این گروه مافیایی در شرکت ملی نفت  
ایران، وزارت نفت و یا شرکت‌های تابعه نیستند». با این حال بر کسی پوشیده نیست که دست‌کم در دوران  
تحریم نفت ایران، افرادی خاص در دادوستدهای نفتی ایران دست داشتند که آن روزها خود را به عنوان  
«بسیجی اقتصادی» معرفی می‌کردند و امروز به عنوان «مفسد اقتصادی» شناخته می‌شوند. بیژن نامدار  
زنگنه، وزیر نفت اردیبهشت ۹۶ طی یک سخنرانی به نقش «مافیا» در صنعت نفت اشاره کرد و گفت:  
«روزی که آقای احمدی‌نژاد در سال ۸۴ بر سرکار آمد و اعلام کرد که می‌خواهم مافیا را در نفت از بین  
ببرم، در آن موقع به او گفتم دزدی در همه جا هست. دزدی در هر جا که پول باشد، هست. ولی وقتی که  
در سال ۹۲ دوباره به نفت برگشتم، تازه دیدم که مافیا بر نفت مستقر شده است. آیا بابک زنجانی مافیا  
نبود؟ قرارداد دوهزار و ۴۰۰ میلیون دلاری خرید دکل، یک‌شبه بدون هیچ تشریفاتی توسط یک نفر انجام  
می‌شود... دکل صدمتری به ارزش ۸۰ میلیون دلار گم می‌شود؛ این مافیا نیست؟»

اینها تنها مشتکی از خروارها حرفی است که درباره‌ی وجود فساد در بخش‌های مختلف سیستم گفته شده  
است. فساد در شهرداری، دادوستدهای نفتی، بازار ارز، کمپین‌های انتخاباتی، حقوق‌های نجومی،  
صنعت خودروسازی، واردات کالا و بسیاری حوزه‌های دیگر مؤید همین واقعیت است که نظام اداری  
بشدت درگیر روندهای فاسد شده است؛ روندهایی که جامعه‌شناسان از آن با عنوان «فساد اداری» یاد  
می‌کنند. اما چرا با وجود تمام حرف‌ها و ادعاها درخصوص مبارزه با فساد، نه‌تنها گره‌ای باز نشده، بلکه  
هر بار پرونده‌ی جدیدی افشا و فساد جدیدی علنی می‌شود؟ ماجرای املاک نجومی شهرداری و افشاگری  
یک رسانه درباره‌ی آن و سرنوشت سردبیر آن که به زندان افتاد را به یاد بیاورید! یکی از استادان  
جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی نقل می‌کرد که روزی در کلاس درس از عبارت «فساد اداری»  
برای شرح وضع نظام اداری در کشور استفاده کرده و بعد از اینکه با واکنش تند یکی از دانشجویان

مواجه شده، برای توضیح، احضار، توبیخ و ملزم شده که دیگر چنین حرفی را در کلاس‌ها مطرح نکند! همین نمونه، تمثیلی است از نحوه برخورد با فساد و شاید علت تداوم فساد در هر سیستمی را باید در همین نحوه برخورد و کج‌سلیقگی‌ها جست‌وجو کرد.

ایسنا - میثم خدمتی

انتهای پیام

بازنشر/گزارش مشرق درباره «نمازی‌ها»؛

### بزرگ‌ترین باند مافیایی کشور را بشناسید؛ کاسبان تحریم و براندازان در لباس لابی ایران +تصاویر

محمدباقر نمازی، از کارگزاران رژیم پهلوی به همراه فرزندش سیامک، بنیانگذار و مدیر بزرگترین باند مافیایی کشور، حالا هر کدام به ۱۰ سال حبس محکوم شده‌اند.

**گروه گزارش ویژه مشرق** - سیامک و محمدباقر نمازی هر کدام به ۱۰ سال حبس، نزار زاکا ۱۰ سال حبس به اتهام همکاری با دولت متخاصم آمریکا محکوم شدند. همچنین «ع. الف» به ۱۰ سال، «ع. ص» ۱۰ سال و «ن.ز» نیز به ۵ سال حبس محکوم شده‌اند. به همین منظور، جهت آشنایی با برخی اقدامات این باند، گزارش مشرق درباره نمازی‌ها را بازنشر می‌کنیم: راه‌های نفوذ و ضرب‌زدن متنوع است. عده‌ای خبرنگار و روزنامه‌نگار می‌شوند و از داخل، به همکاران خارجی خود نقطه‌های بمباران رسانه‌ای را نشان می‌دهند و جرقه بحران‌های ساختگی اجتماعی را در داخل می‌زنند و دنباله‌های‌شان در انگلیس آن را پی می‌گیرند. گاهی هم گرگ‌های وطنی در لباس میش رفت و آمد می‌کنند و چنگال چدنی خود را زیر دستکشی ابریشمین پنهان می‌کنند و بظاهر برای توسعه و پیشرفت ایران؛ شرکت‌های زنجیره‌ای تأسیس می‌کنند برای جذب سرمایه‌های خارجی و توسعه صنایع حیاتی ایران مثل نفت و گاز؛ سازمان‌هایی با دستورکارهای مبهم و دوپهلو تأسیس می‌کنند تا خود را لابی ایران در کشورهای مقصد (بوئزه آمریکا) معرفی کنند و هدف آن را تلاش برای بهبود سیاست‌های واشنگتن در قبال تهران یا لابی در نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر آمریکا در جهت منافع ایران اعلام می‌کنند؛ یا اعلام هم نمی‌کنند، اما زنجیره‌ای از رسانه‌هایی را که در بالا اشاره شد و پیش‌تر به تفصیل معرفی شد بسیج می‌کنند تا ضمن زدن برچسب جذاب «**لابی جمهوری اسلامی**»، بیشترین فعالیت‌های آن را در جهت منافع ایران و بطور خاص نهادهای حاکمیتی نظام نشان دهند.





## گزارش مشرق؛ شاهماهی شبکه انگلیس چگونه به‌تور افتاد+عکس

با این مقدمه، نام محمد باقر و فرزندش سیامک نمازی پیش از هر شخصیت دیگری خودنمایی می‌کند. سیامک نمازی تا همین چند ماه پیش ارتباط ارگانیک خود با لایه‌های اقتصادی و سیاسی در کشور را حفظ کرده و کماکان میان واشنگتن و تهران در رفت و آمد بود که در نهایت پیش از خروج از کشور **بازداشت شد**. در سطور پیش رو درباره پدیده‌ای به نام «**نمازی**» ها بویژه پدر و پسر، نوشته‌ایم.





پس از بازداشت محمدباقر نمازی، رسانه‌های غربی تلاش کردند تا این بازداشت را به دستگیری چند ماه قبل فرزند او ارتباط دهند. در حالی که اطلاعات موجود نشان می‌دهد مسئله بسیار فراتر از این است. هر چند این رسانه‌ها تلاش کردند سیامک نمازی را یک شاه‌مهره معرفی کنند که در جریان تبادل زندانیان در روز آغاز اجرای برجام، گمانه‌زنی‌های بسیاری درباره تبادل وی مطرح شد، اما هیچ‌یک صحت نداشت و سیامک نمازی همچنان در اختیار نیروهای قضایی-امنیتی است. اما بررسی و مرور پرونده پدر مرموز وی که اخیراً بازداشت شده است نشان می‌دهد جاسوسی و عملیات نفوذ و براندازی را به خوبی به پسر منتقل کرده و آموخته است. این متهم شناخته شده و سالخورده (باقر نمازی)، متولد 1315 و دارای دکترای اقتصاد و تابعیت ایرانی-آمریکایی است.



باقر نمازی در حال گزارش دادن به شاه مخلوع و معدوم

**پیشینه سیاسی خاندان نمازی**

برای شناخت نمازی‌ها باید از پدر خانواده یعنی **محمد باقر نمازی** شروع کنیم که حالا در بازداشت به سر می‌برد و مهمان دستگاه‌های امنیتی است. باقر نمازی، از مقامات کشور در دوره پهلوی و استاندار خوزستان تا واپسین روزهای حیات رژیم پهلوی بود او همچنین سابقه حضور در یکی از معاونت‌های وزارت کشور را نیز در کارنامه دارد. نمازی در حادثه آتش‌سوزی سینما رکس آبادان که در حال نمایش فیلم «گوزن‌ها» با مضمونی نزدیک به حال و هوای انقلابی آن روزها بود، استاندار خوزستان بود؛ در منطقه نفت‌خیز و پالایشگاهی کشور، هیچ یک از ماشین‌های آتش‌نشانی به محل سینما نرسیدند و 677 نفر در آتش سوختند: یکی از ماشین‌ها خراب بود، دیگری در وسط راه خراب شد و سومی هم وقتی رسید آبی برای خاموش کردن آتش نداشت! (**مگذار از طریق تو ، کسی گردد فنا ، او فنا گردد بر تونویسند صدها گناه ، لقمان چون بار امانت را کرد وزن ، دید بر دوش او سخت وزن این بار ثمن -مولف**)



**باقر نمازی از کارگزاران رژیم پهلوی بود**

باقر نمازی سال 61 به آمریکا متواری شد و با آغاز به کار دومین دولت کارگزاران تحت عنوان مبهم «فرستاده و مشاور سازمان ملل در امور جامعه مدنی»، در سال 72 به ایران بازگشت؛ البته با دست پر و با برنامه هم بازگشت. ورود باقر نمازی به ایران همراه شد با تأسیس زنجیره‌ای از شرکت‌های مشورتی با حوزه فعالیت گسترده از مدیریت و آموزش تا مشارکت در پروژه‌های نفتی؛ واضح اینکه مشارکت در پروژه‌های نفتی کشور برای یک گروه و شرکت تازه تأسیس با بنیانگذاری نظیر نمازی، بدون اتصال به بدنه وزارت نفت و دولت امکان‌پذیر نیست. عضویت و ارتباط گسترده با نهادهای وابسته به سازمان ملل،

ارتباط با گری سیک و عضویت در پروژه گل‌ف 2000، ارتباط نزدیک با آلن ایر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، مرکز CIPE و جان سولیوان مدیر موسسه، ارتباط با بنیاد فورد و موسسه نایاک (لابی ایرانیان مقیم آمریکا) نمونه ای از ده‌ها فعالیت مستمر و هدف مند این فرد به منظور تحقق اهداف سازمان‌های جاسوسی و لابی‌های سیاسی ضدانقلاب در ایران بوده است. **گروه شرکت‌های آتیه** با مدیریت سیامک نمازی راه‌اندازی می‌شود. آتیه بهار در توضیح زمینه فعالیت‌های خود، مشاوره اقتصادی به شرکت‌های تجاری با تمرکز بر بازار ایران و ارائه خدمات مشاوره‌ای در حوزه‌های نیروی انسانی، استراتژی، حقوق و منابع انسانی را برشمرده است. **گروه آتیه** سال 1372 (همان سالی که باقر نمازی به کشور بازگشت) آغاز به کار کرد. این شرکت با رصد فضای سیاسی- اقتصادی کشور و تحلیل فاکتورهای مؤثر بر اقتصاد، ارزیابی جامعی را از چشم‌انداز بازار ایران به شرکت‌ها ارائه می‌کردند. این، آغاز رسمی فعالیت‌های گروه آتیه در ایران بود.



اما آتیه خیلی زود به دلال و واسطه ورود شرکت‌ها و برندهای خارجی به کشور تبدیل شد و همزمان با راه‌اندازی بخشی تحت عنوان «مشاوره راهبری صنعت نفت ایران» با ارتباطاتی که با مسؤولین وقت وزارت نفت و همچنین شرکت‌های نفتی چندملیتی داشت، در این حوزه نیز به دلالتی مشغول شد.

## شکل‌گیری زنجیره مافیایی آتیه؛ از سبک زندگی تا نفت و گاز

انشعابات آتیه بهار از سال 79 یکی پس از دیگری با نام‌های «آتیه برنانگر»، «آتیه پایدار»، «آتیه روشن» و «آتیه اینترنشنال» سر برآوردند؛ زنجیره‌ای از شرکت‌ها که اعضای خانواده نمازی آن‌ها را اداره می‌کنند. به عنوان مثال شرکت «آتیه روشن» بیشتر در حوزه آموزش و سبک زندگی فعالیت‌های خود را متمرکز کرده است؛ از برگزاری کارگاه‌های «بهبود کیفیت زندگی» و «فرزندپروری» تا سایر زمینه‌های اجتماعی در دستورکار این شرکت قرار دارد.



در اینجا قصد ورود به ماهیت و محتوای این کلاس‌ها و آنچه به عنوان سبک زندگی برای آموزش به خانواده‌ها در نظر گرفته شده است نداریم، اما تنها به یادآوری این نکته اکتفا می‌کنیم که جناب محمد باقر نمازی، بزرگ این خاندان، از جمله موافقان و ترویج‌کنندگان تحدید نسل و کاهش زاد و ولد در کشور بوده است و در این زمینه کارگاه‌های بسیاری را نیز برگزار یا در آن‌ها شرکت کرده است. یکی از این موارد، تشکیل «انجمن تنظیم خانواده» در بوشهر با هدف اجرای برنامه فراگیر «تحدید نسل ایرانیان» بود.

### همکاران گروه آتیه

57 | Page

محمود صناعی پور خیره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری ومديريت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

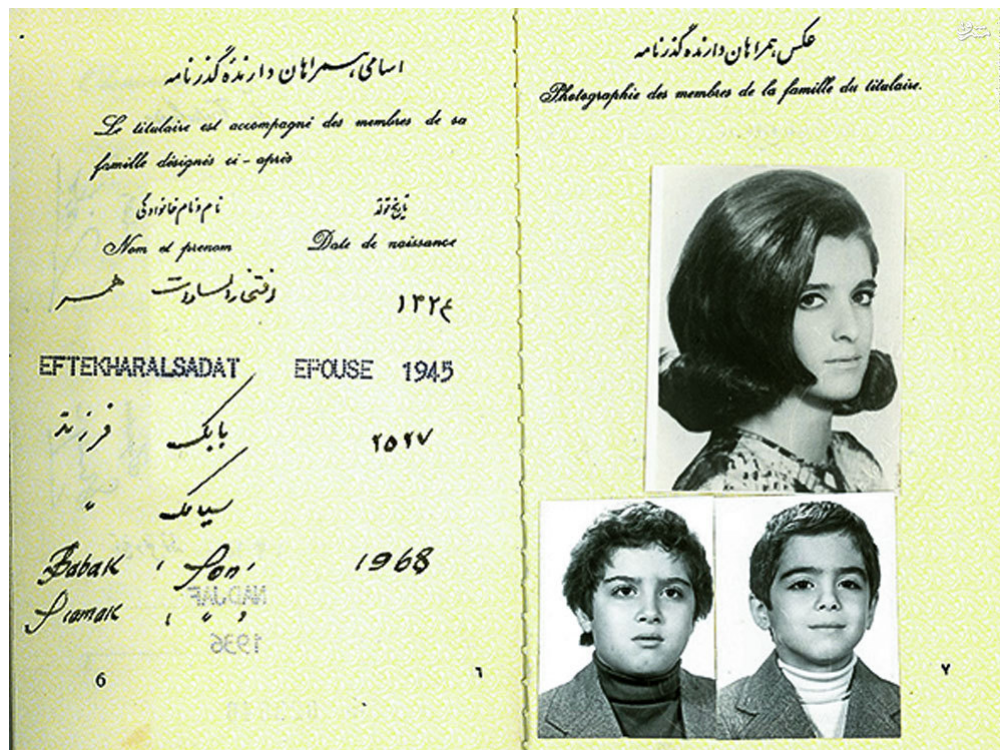
UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models



شرکت‌های اقماری گروه آتیه را فرزندان و بستگان باقر نمازی اداره می‌کنند. **بابک و سیامک** دو فرزند او هستند که اولی در هیئت مدیره این شرکت‌ها حضور دارد و دیگری تا پیش از جدی‌شدن همکاری‌اش با نهادها و اندیشکده‌های امنیتی آمریکا و ترینا پارسی، مدیر عامل گروه آتیه بود. **پری نمازی** («**تصویر روبرو**») برادرزاده باقر نمازی و همسرش «**بیژن خواجه‌پور**» به همراه خواهرش «**شیوا خواجه‌پور**» نیز در شرکت‌های گروه آتیه در سمت‌های مختلف در حال فعالیت هستند. فصل مشترک فعالیت شرکت‌های گروه آتیه، رصد فضای داخل کشور در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... با هدف رسیدن به یک جمع‌بندی قابل ارائه به سازمان‌های هدف است که تنها بخشی از این جامعه هدف (یا مشتریان) را شرکت‌های تجاری و بنگاه‌های اقتصادی (ایرانی و بین‌المللی) تشکیل می‌دهند. اما با توجه به ارتباط مستقیم خانواده نمازی با اندیشکده‌های امنیتی و تصمیم‌ساز آمریکایی، این احتمال مطرح می‌شود که ارزیابی جامعی از شرایط داخلی ایران برای استفاده در تحلیل‌های بعدی این نهادها و استفاده در پروسه سیاست‌گذاری‌ها، از این طریق فراهم می‌شود.



**تصویر بابک و سیامک به همراه همسر باقر نمازی**

درباره سابقه باقر نمازی در سطور بالا گفته شد و سیامک نمازی هم در سطور پیش‌رو معرفی خواهد شد.

58 | Page

محمود صناعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید **UKRM**

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

**UKRM=Useful Knowledge Rules Management**

**GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran**

**USTM=Unificational Subscribes of Three Models**

بابک نمازی چندان فعالیتی خارج از چارچوب گروه آتیه نداشته است، اما در همین چارچوب توانسته است با نفوذ به یکی از نهادهای مهم نظارتی کشور و با استفاده از ارتباط خوب و سنتی نمازی‌ها با مهدی هاشمی، تدوین برخی از قوانین این نهاد از جمله قانون سرمایه‌گذاری خارجی آن را در دست بگیرند. این ارتباطات تا سال 88 ادامه داشت و در لایه‌های بالایی حوادث آن سال و کمک‌های مالی و فکری به حامیان فتنه ادامه پیدا کرد. اما «بیژن خواجه‌پور» همسر پری نمازی از جمله بازداشت‌شدگان حوادث سال 88 است. او نیز در همکاری با تیم مهدی هاشمی در ایام پس از انتخابات قسمتی از مدیریت فتنه را از انگلیس بر عهده داشت. پس از فرار مهدی هاشمی از کشور، خواجه‌پور وارد ایران و بلافاصله هم بازداشت شد. البته این حلقه آن‌قدر نفوذ و قدرت داشتند که خیلی زود خواجه‌پور را آزاد و برای همیشه راهی ژنو کنند.



از راست: سیامک نمازی و تریتا پارسی در یکی از سفرهایشان به ایران

بیژن خواجه‌پور حالا در کنار فعالیت در باند مافیایی آتیه، در شورای ملی ایرانیان آمریکا (نایاک) و برخی اندیشکده‌های تحت نفوذ حلقه مورد نظر، به تدوین استراتژی‌های نفوذ در ایران و تحلیل مسائل کشور می‌پردازد. آخرین گزارش خواجه‌پور با عنوان «دست‌های دراز- مشت‌های باز: جهت‌دهی مجدد چشم‌انداز ایران فراتر از توافق هسته‌ای» سال 2013 انجام گرفته و منتشر شده است که پیش از این با عنوان «هفت پروژه آمریکا برای نفوذ به ایران» در مشرق منتشر شده است. (بی خبربودید از اوضاع و حال مردمان ، یکی میبرد اموال مردم ، یکی میشد قهرمان ، قهرمانان مشغول کردند ما رادرآسمان ، چپاول گران بیت المال دولت بردند و اموال مردمان-مولف)





بیژن خواجه‌پور در دادگاه متهمان حوادث 88



بیژن خواجه‌پور در شورای ملی ایرانیان آمریکا (نایاک)

در میان اسامی گردانندگان گروه آتیه، به فردی به نام «**هومان دولتشاهی**» نیز برمی‌خوریم که هم‌اکنون به عنوان مدیرعامل این گروه مشغول به کار است و این تغییر در روزنامه رسمی کشور هم ثبت شده است. دولتشاهی که دارای مدرک کارشناسی است به عنوان مدیرعامل این گروه بزرگ انتخاب شده است. وی با عنوان مشاوره صنعت نفت در حال فعالیت است با در کسوت کارشناس انرژی نیز با رسانه‌های داخلی و خارجی در ارتباط است. دولتشاهی همچنین عضو کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی نیز هست که البته این عضویت ظاهراً وابسته به سمت وی در گروه آتیه است. دولتشاهی به واسطه روابط و کانال‌های خوبی که در وزارت نفت و شرکت‌های تابعه دارد، مسؤول بولتن‌های هفتگی گروه آتیه در حوزه صنعت نفت و گاز شده است و آخرین اخبار و اطلاعات را جمع‌آوری و در قالب بولتن و گزارش به رده‌های بالاتر و حلقه‌های دیگر آتیه و همکارانشان ارائه می‌دهند تا مبنای تصمیمات و قراردادهای بعدی قرار گیرند. دولتشاهی حالا در زمینه انرژی در کشور نظریه‌پردازی می‌کند و از جمله افرادی است که از حدود سال‌های 84 و 85 بر آزادسازی قیمت بنزین تأکید داشت. با توجه بازگشت برخی از مدیران کارگزاران به وزارتخانه‌ها و شرکت‌های مرتبط با صنایع نفت و گاز کشور، به نظر می‌رسد آتیه بهار نیز آهنگ مشارکت و فعالیت خود در این حوزه را سرعت بخشیده است.

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت امور خارجه  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی

شماره روزنامه: ۱۹۷۷۶ تهران  
شماره صفحه روزنامه: ۳۹  
تاریخ روزنامه: ۱۳۹۱/۱۱/۳

شماره نامه اداره ثبت: ۳۰۱۹۶۳/۹۱  
تاریخ نامه اداره ثبت: ۱۳۹۱/۱۰/۱۷

**آگهی تصمیمات شرکت مشاوره مدیریت آتیه بهار با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۱۰۲۳۶۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۸۲۵۲۵**

به موجب صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده و عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۸/۹/۹۱ بری نمازی به ک.م. ۴۷۲۳۳۵۸۲۴۲ با پرداخت مبلغی به صندوق شرکت سهم الشرکه خود را به مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۳۲ ریال افزایش داد و شیوا خواجه پورخونی به ک.م. ۲۸۰۲۵۶۵۲۸۱ فرزند غلامعلی به ش.ش. ۷۰۱ ص از خوی متولد ۱۳۴۷ با پرداخت مبلغ ۰۰۰/۷۲۰/۱۴ ریال به صندوق شرکت در ردیف شرکاء قرار گرفت و بابک نمازی به ک.م. ۰۰۵۰۸۰۶۱۶۵ با پرداخت مبلغی به صندوق شرکت سهم الشرکه خود را به مبلغ ۰۰۰/۸۸۰/۱۰ ریال افزایش داد و در نتیجه سرمایه شرکت از مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۶۴ ریال به مبلغ ۰۰۰/۶۶۰/۹۹ ریال افزایش یافت و ماده ۱۵ اساسنامه به شرح مندرج در صورتجلسه اصلاح گردید. بری نمازی به سمت رئیس هیئت مدیره و شیوا خواجه پورخونی به سمت عضو هیئت مدیره و هومان دولتشاهی به ک.م. ۰۴۵۲۳۸۶۱۸۷ به سمت مدیرعامل خارج از اعضاء انتخاب گردیدند. حق امضاء کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک سفته بروت قراردادهای و عقود اسلامی و اوراق عادی و مکاتباتی با امضاء مدیرعامل به تنهایی و یا با امضاء هر یک از اعضاء هیئت مدیره به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

ب. ۱۸۲۷۹۰۰۰۱۱۱۰۸۷۹۷۸۷۰ اداره ثبت شرکتهای و مؤسسات غیرتجاری

شرکت‌های گروه آتیه بهار در پوشش‌هایی که ذکر شد، واسطه و دلال حضور برنده‌های تجاری در ایران شدند؛ برنده‌های چون استات اویل، بریتیش پترولیوم، شل، گروه صنعتی کاترپیلار، تویوتا، کرایسلر، میتسوبیشی، هوندا، رنو، بی ام و، نوکیا، زیمنس، مواد غذایی تولید شرکت نستله، تتراپک و برنده‌های دخانیات آمریکایی تنها نمونه‌هایی از دلالی گروه آتیه برای شرکت‌های آمریکایی است. در نتیجه، گروه آتیه همزمان با نفوذ پیش‌برد اهداف آموزشی در حوزه‌های خانواده، فرهنگ و اجتماع، در زمینه **نفوذ اقتصادی** نیز بیش از دو دهه سابقه فعالیت دارد و خود را به تنها کانال یا یکی از معدود کانال‌های ورود شرکت‌های خارجی به اقتصاد ایران تبدیل کرده است. این پیوندها با حضور مدیران گروه آتیه در شرکت‌های نفتی اروپایی و ورود این شرکت‌ها با همراهی و همکاری نیروهایی در بدنه دولت و وزارت نفت و وقت، به قراردادهای نفتی هم کشیده شد. به عنوان مثال «**علی قزلباش**» مدیر سابق گروه آتیه، مدیر شرکت نفت و گاز استات اویل نیروژ است که در سال 98 و با روی کار آمدن وزیر نفت وقت، مسئول قراردادهای نفتی ایران در لندن بود. قراردادهای کرسنت و استات اویل که با رسوایی بین‌المللی همراه شد و همچنان ادامه دارد، یکی از محصولات این مافیای ریشه‌دار است. هم‌اکنون، رابطان و دلالات این گروه در شرکت‌های نفتی منطقه‌ای در دبی، عربستان و قطر هم مشغول به کار هستند که حضور فردی به نام «**محمدی**» در شرکت آرامکوی عربستان به عنوان مشاور ویژه و از مدیران منطقه‌ای استات اویل از جمله این افراد است. در شرکت آمریکایی مشهور و قدیمی هالیبرتون، بزرگترین شرکت دلال نفتی) وابسته به **دیگ چنی معاون جورج بوش** (که در دبی و بیش از 70 کشور جهان فعالیت دارد هم یکی از نزدیکان خواجه‌پور و همکاران وی در گروه آتیه به نام «**رامین لاکانی**» مدیر منطقه‌ای هالیبرتون در دبی است و با آتیه و شرکت‌های اقماری آن در حوزه نفت و گاز کشور همکاری دارد. لاکانی سابقه همکاری با شرکت آگزون موبیل برادران راکفلر و شرکت نفت و گاز «شل» را نیز در کارنامه دارد زنجیره نفتی گروه آتیه و شرکت‌های اقماری و پوششی آن متأسفانه در وزارت نفت و برخی دیگر از ادارات و نهادها هم ادامه دارد که خود گزارشی مفصل و مجزا می‌طلبد. اما به طور خلاصه باید گفت برنامه جدید وزارت نفت در نحوه تنظیم قراردادهای نفتی که در ماه جاری قرار بر رونمایی آن بود (و ابتدا برای رونمایی از آن در کنفرانسی در لندن برنامه‌ریزی شده بود)، راه را برای پنهان ماندن فعالیت‌های این گروه و عدم امکان بازرسی و نظارت هموار می‌کند. این گروه شرکت‌های موازی با نام‌های دیگری نظیر ACG در دبی و ICG در فرانسه نیز در اختیار دارند و بطور کلی تمامی قراردادهای نفتی و سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در حوزه نفت و گاز، مستقیم یا غیرمستقیم از کانال گروه آتیه و شرکت‌های اقماری‌اش عبور می‌کند. «**محمد منظرپور**» دیگر همکار گروه آتیه بود. منظرپور پیش‌تر از سال 2002 وارد بی‌بی‌سی فارسی شد و سردبیر منطقه‌ای این شبکه در آمریکا و سه سال هم در سرزمین‌های اشغالی بود. با انتقادات شبکه «صدای آمریکا» از مجموعه لابی نایاک و تریتا پارسی، این لابی توانست با نفوذی که در کنگره دارد و ارسال گزارش‌هایی از عملکرد ضعیف این شبکه، ضمن قطع همکاری صدای آمریکا با برخی از کارشناسان ضدانقلاب (و هم زمان ضد نایاکی که این گروه را حامی حکومت ایران

می‌خواندند)، سردبیر آن را نیز تغییر دهد و مهره مورد نظر خود یعنی محمد منظرپور را به سردبیری این پایگاه رسانه‌ای در آمریکا برساند.

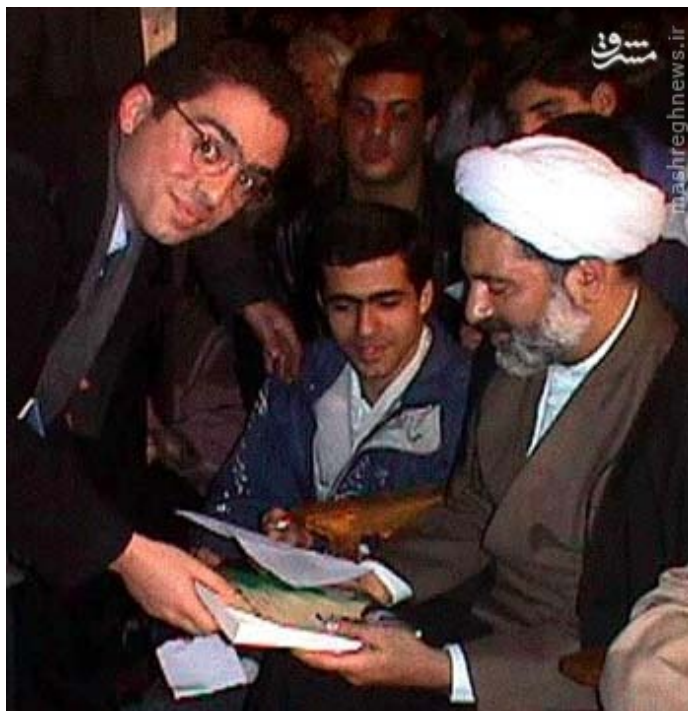


محمد منظرپور در قدس اشغالی - سردبیر فعلی صدای آمریکا

### سیامک نمازی؛ نفوذی در لباس حامی منافع ایران

پسر ارشد باقر نمازی تقریباً بیشترین مسؤلیت‌ها را در گروه آتیه و زنجیره گسترده‌ای از روابط سیاسی-امنیتی و اقتصادی با نهادهای مختلف در آمریکا، اروپا و منطقه داشته است. درباره گروه آتیه به تفصیل گفته شد و نام‌های دخیل در این گروه مافیایی هم کم و بیش ذکر شد. اما سیامک نمازی را باید شاهمهره این حلقه دانست. ما در اینجا و در این نوشتار محدود، به برخی از این حلقه‌ها اشاره خواهیم کرد که اتصال آن‌ها به هم تنها بخشی از عمق نفوذ و قدرت این گروه را آشکار می‌کند. **چه کاخ‌ها ساختند زین مماشات کاری‌های دهر- خیرها و رفت ، بر سرآمد صدها شرر- چه فتنه‌ها زمین کاخ در دولت لانه کرد- چه مظلوم‌ها زین زیان باری‌ها کردند ضرر-مولف).**





سیامک نمازی و محسن کدیور

سیامک نمازی پس بازگشت پدرش به ایران کار را با بیژن خواجهپور در گروه آتیه آغاز کرد و عضو هیئت مدیره این گروه بود تا اولین دیدارش با تریتا پارسی در سال 1996 و اولین کار مشترک با پارسی که در سال 1999 (1378) و در ایام فتنه 18 تیر آن سال (با ارائه طرحی مشترک در کنفرانسی در قبرس برای تأسیس سازمانی با هدف تأثیرگذاری بر سیاست‌های ایران و آمریکا آغاز شد و به تشکیل «شورای ملی ایرانیان آمریکا (نایاک) NIAC» (منجر شد. تریتا پارسی تا نزدیک به 10 سال و سال 88 گزارش‌هایی برای شرکت آتیه بهار تهیه می‌کرد. سیامک نمازی در سال 74 با وزارت مسکن و شهرسازی وقت مشغول همکاری بود. چهار سال بعد در واشنگتن شرکت‌هایی به سبک گروه آتیه و در امتداد آن تأسیس کرد. شرکت «آذر انرژی» به مدیریت بیژن خواجهپور نیز یکی از این شرکت‌هاست. درباره فعالیت‌های نایاک، تریتا پارسی و سیامک نمازی گفتنی بسیار است و در مطالب بسیاری به آن پرداخته شده است. در اینجا تنها به برخی از مهمترین فعالیت‌ها و ارتباطات نمازی اشاره گذرا خواهد شد.



سیامک نمازی

حلقه مافیای اقتصادی در قالب گروه آتیه و همکارانشان بطور مختصر معرفی شد، با حلقه‌ای سیاسی در واشنگتن متصل می‌شود و یک تیم سیاسی-اقتصادی-امنیتی را تشکیل می‌دهند. شورای ملی ایرانیان آمریکا به راهبری تریتا پارسی و سیامک نمازی، بازوی سیاسی مافیای اقتصادی مذکور و در ارتباط نزدیک با کنگره آمریکاست. گرچه نایاک در مواضع خود از تحریم‌ها برضد ایران انتقاد می‌کند اما حلقه گروه آتیه به همراه نایاک یکی از کانال‌های اصلی در دادن گرای نقاط آسیب‌پذیر و حساس ایران به کنگره و قانون‌گذاران آمریکایی برای وضع تحریم‌هاست. بدین ترتیب که همکاران گروه آتیه که بخش زیادی از کارشان به جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی و ارزیابی و تحلیل فضای داخلی و تبدیل کردن آن به بولتن و گزارش اختصاص دارد، با رساندن این اطلاعات به کنگره آمریکا بواسطه ارتباطات تریتا پارسی، سیامک نمازی و دیگر اعضای شورا، مقدمات تحریم‌ها را برای آنان فراهم می‌کنند. پس از آن شرکت‌های نفت و گاز و سایر دلالات و واسطه‌های گروه آتیه برای به اصطلاح دور زدن تحریم‌ها وارد معرکه می‌شوند و جیب خود و حامیانشان را از ثروت ملت ایران پر می‌کنند و این جریان سال‌هاست که ادامه دارد. وی در اوج دلالتی‌های گروه آتیه به یک روزنامه لبنانی گفته بود: «اگر شرکت‌های نفتی می‌خواهند در ایران فعال باشند، باید با یک شریک داخلی رابطه برقرار کند، و این همان‌جایی است که ما وارد می‌شویم تا شریک مناسبی را برای‌شان پیدا کنیم.»





باند نمازی (نمازی، خواجهپور و تریتا پارسی) با چند اندیشکده مشهور و مطرح آمریکایی نیز ارتباط تنگاتنگی دارند و با تأمین بخشی از بودجه آنها، در جهت‌دهی به گزارش‌ها و ارزیابی‌های این اتاق‌های فکر که مورد استناد تصمیم‌گیران و قانون‌گذاران آمریکایی نیز هستند، نقش مهمی ایفا می‌کند. اندیشکده «وودرو ویلسون» که نام آن در ایران با «هاله اسفندیاری» و «براندازی» گره خورده است از جمله پایگاه‌های اصلی گروه مورد نظر است که در سال 2005 با کمک مستقیم نایاک، پارسی و نمازی راه‌اندازی می‌شود.



بیژن خواجهپور و همکارانش اتاق فکر ویلسون را به عنوان یکی از بازوهای سیاسی باند نمازی، در واشنگتن راه‌اندازی کردند

**اقدامات براندازی و تغییر رژیم**

شورای ملی ایرانیان آمریکا در ایام پس از انتخابات 88 یکی از پایگاه‌های عمده در برگزاری نشست‌ها در حمایت از جریان اغتشاش‌گر و فتنه‌گر بود. جلسات این شورا با حضور تئوریسین‌های براندازی و چهره‌های ضدانقلاب برگزار می‌شد و خروجی‌هایی هم از طریق اندیشکده‌های تحت امر این گروه، به عنوان تحلیل و آینده‌پژوهی شرایط ایران پس از انتخابات منتشر می‌شد. **به اعتقاد تریتا پارسی، مسیر تغییر در ایران، مسیر «دموکراتیک» و «نرم» است و جنگ فایده‌ای ندارد!** همزمان، همکاران گروه آتیه در خارج از کشور، توانستند به رسانه‌های ضدایرانی و ضدانقلاب نظیر رادیو فردا، صدای آمریکا و بی‌بی‌سی فارسی هم وارد شوند که در یک مورد در سطح سردبیر یکی از این رسانه‌ها بود. همچنین گروه آتیه از طریق شورای ملی ایرانیان آمریکا با ایرانیان حاضر در شورای امنیت ملی کاخ سفید نظیر «**سحر نوروز زاده**» که به عنوان گزارش‌نویس نایاک و دستیار سیامک نمازی و «**رضا مرعشی**» از کارمندان نایاک نیز در ارتباط بوده‌اند که بدین ترتیب ارتباطات ارگاتیک این گروه به جز کنگره، به دولت آمریکا نیز بسط پیدا کرد. **سحر نوروز زاده** هم اکنون مدیر بخش ایران شورای امنیت ملی کاخ سفید است.



تریتا پارسی و همکارش رضا مرعشی در کنار «آن کوری» خبرنگار آمریکایی

شخص سیامک نمازی هم در سایت‌ها ضدانقلاب با انتشار تصاویری از برخی ناآرامی‌ها یا تجمعات، ضمن پوشش خبری این حوادث، به تحریک اغتشاشگران و معترضان می‌پرداخت.

## Cover story

[Write for The Iranian](#)


"Hajjarian has a God too."

By Siamak Namazi

اعضای این گروه مافیایی - که نامی جز «مافیا» نمی‌تواند به خوبی گسترده‌گی و عمق فعالیت‌ها و نفوذ آنان را تشریح کند - در دوران مذاکرات هسته‌ای هم همواره در حاشیه با تیم مذاکره‌کننده ایران در رفت و آمد بودند؛ یا به عبارت صحیح‌تر میان تیم مذاکره‌کننده ایرانی و آمریکایی در رفت و آمد بودند. «هومن مجد» خبرنگار کهنه کار مرد هزار چهره مذاکراتی و همکار قدیمی نایاک و گروه آتیه، در کنار تریتا پارسی همواره در راهروها و بیرون اتاق مذاکرات با برخی اعضای تیم ایرانی دیده می‌شدند. البته در یک مورد علنا هومن مجد به اقامتگاه وزیر خارجه کشورمان و بالکن معروف هتل رفت و با وی عکس یادگاری هم گرفت. البته این ارتباطات، تازه نیست به دوران حضور محمد جواد ظریف در سازمان ملل و آمریکا بازمی‌گردد.



تریتا پارسی در حال مصاحبه با رسانه‌ها در ژنو، محل برگزاری مذاکرات هسته‌ای



تریتا پارسی و هومن مجد در وین محل برگزاری دور نهایی مذاکرات



تریتا پارسی





عکس هومن مجد از اقامتگاه خصوصی ظریف در وین



نفوذی نایاک و مافیای آتیه در مذاکرات

سیامک نمازی، گروه آتیه و ده‌ها شرکت اقماری این گروه با حمایت سیاسی نهادهای مستقر در واشنگتن، همچنان در ایران و چندین کشور جهان به فعالیت همزمان خود ادامه می‌دهند: **توصیه به تحریم و تشدید تحریم‌های ایران، بهره‌گیری از فرصت تحریم‌های اقتصادی و کاسبی تحریم با نفوذ در صنایع حیاتی کشور از جمله نفت و گاز، دلالی سیاسی میان ایران و آمریکا برای باز کردن روزنه‌های نفوذ و بسترسازی اقدامات براندازانه و تغییر «نرم» با حمایت سیاسی از معارضان، تحریم‌ها و فشارهای حقوق بشری و فعالیت‌های فرهنگی در حوزه سبک زندگی و خانواده.** محمد باقر نمازی هم چند روز پیش هنگام ورود به کشور، بازداشت شد. حالا دو شاه مهره نفوذ آمریکا و انگلیس در ساختار کشور به دام افتاده‌اند و باید منتظر ماند و دید آمریکایی‌ها چند میلیارد دلار برای آزادی آن‌ها پیشنهاد می‌دهند.

شعر بیداری و شناختن دوست از دشمن از محمود صانعی پور -مؤلف

**چه نقد ها از دل سوزان مصادف با مشت و لگد**

**چه تملق ها از چابلوسان گردید صندلی و منزلت**

**چه هشدارها از دشمن دانا ، دیر گردید زود**

**چه غزل گونی ها از صندلی داران می شنود**

**مگذار از طریق تو ،کسی گردد فنا**

**او فنا گردد بر تونویسند صدها گناه ،**

**لقمان چون بار امانت را میکرد وزن**

**دید بر دوش او سخت این نیروی وزن**

**بی خبربودید از اوضاع وحال مردمان**

**یکی میبرد اموال مردم ، یکی میشد قهرمان**

**قهرمانان مشغول کردند ما را در آسمان**

**چپاول گران بیت المال دولت بردند و اموال مردمان**

**چه کاخ ها ساختند زین مماشات کاری های دهر**



- خیرها و رفت ، برسر مردم آمد صدها شرر  
چه فتنه ها زین کاخ نشینان در دولت لانه کرد  
چه مظلوم ها زین زیان برای ها کردند ضرر  
**خدا ذکر و آئین خود را در تقدیر حافظ است**  
**در تغییر ابقای و فنا ها ، در تقدیر نافذ است**  
**چون که بیند لطف کرده هرچه لازم دارد نظام**  
**چون بیند ظالم حق مظلوم را اینک دارد بکام**

شعر عدل از مولف

بقای حکومت ها بر اساس عدل است ، ورنه سرنگون خواهند شد

The survival of governments is based on justice, otherwise they will be overthrown

شعری از محمود صانعی پور

دوستان: سبوی صبرزمین ، از ظلم لبریز شد  
دیدگان گریان مظلومان ، آبشاری سیل خیز شد  
قلب ستم کاران جهان ، ترسان از داد مظلومان  
فریاد مظلومان این جهان ، بر شمشیر پیروز شد  
این رخدادها خبر میدهد ما را از فردای پرخطر  
جنگ سرد منجمد گشته ، جنگ آتشین افروز شد  
سیمرغ گیتی از کوه قاف فریاد میدارد ، هان بگو  
این طیف دگرگون کننده ، همان جلوه دیروز شد

آن همه مرغان حق پرپر شدند، در راه حق  
گریه سوزان یتیمان وطن ، جان سوز شد  
چون روزی گردد زمین، داغستان اهل آن  
دل ها از فقیر واز غنی ، آتشی در نیریز شد  
چون نباشد چرخ ممالک روی زمین بر معدلت  
بار دیگر مرگ ستم کاران ، قصه دیروز شد  
اینک مهلت آخر رسیده ، مرگ آنان را سزد  
مهلت تمام است ، سرمایه آنان گنده نیم سوز شد  
آنکه میسوزاند ریشه عدل وحق مردم حق دار را  
سرمایه هنگفتش برفت ، بیش از آن مقروض شد  
روزگاری مردم مظلوم، کین ظالمان اجحاف داد  
روزی پایان حرمان بنگری، مردم پیروز شد  
لیلی تا کی بهر آب و نان ، طعنه بر مجنون میزنی  
چونکه مجنون مظلوم، فرمانبردار آن زرخیز شد  
من گویم : لیلیا !، اینقدر بر مجنونت سخت مگیر  
زین بازیهای دهر، ویرا بینی، سرور پیروز شد  
جای او با جای صاحب زران ، میگردد جابجا  
این مقدر در نظام آفرینش، گویش گر امروز شد  
عدل یعنی: هر چیزی دارد موضعی در جایگاه حق  
منصف جای حق نشیند، نامنصفان بیرون ز حق

وحدت اعتدلال خصلتی از جمع منصفان روزگار  
گر نباشد اعتدلال ، هیچ دولتی نماند آخر ماندگار  
بدون عدل ، فقر زاید و مرگ های پی در پی آن  
زندگی با عدل معنی شود ، سلب شود فقر مردمان  
گرچه کار دولت ها ، تبلیغ و اندرز گوئی است  
از گرانی ، بیکاری معذور و کمی دل جوئی است  
ولی ظالم کار خود میکند ، مظلوم ، بدتر میشود  
حاکم شهر فریاد بر آرد ، ولی کاخ نشین گر میشود  
آتش خشم الهی ، در های بسته مظلوم ، باز کند  
این کلید خدائی ، قفل های بسته مردم ، باز کند  
گر لیلی در عشق مجنونش ، تردید آرد در میان  
سفره رنگین آنان تهی گردد ، در سیر زمان  
گل گر نبخشد ، شهد خویش به زنبور عسل  
گزده نطفه خویش نگیرد از بال زنبور عسل  
دنیا بر پاست بر اساس مهر ، انصاف و عاطفه  
هر که این اسرار فهمید ، در سروریش قائمه  
هر که در این راه نجات مظلومان گردد شهید  
در دل های مردمان رمزی دارد از فردای امید  
ای خوشا آنان ، درین راه آزادی هستند قهرمان  
مردمان دو خورشید دارند ، در زمین و آسمان

گر ندانی این است از استاد ازل، بر ما نشان  
زندگی نه شور دارد و نه حال و نی آوازخوان  
بلبل مستان در بهاران ، نغمه دارد چهجهان  
چون گلستان میرود ، تازه می گوید شرح آن  
هر که باید از عدل خانه ای سازد، آنرا رنگین کند  
خانه ای از مهر ورزی ، سفره ای رنگین کند  
آنکه پر کرد جیب خود، از جیب های مردمان  
خدا توفیق از او بگیرد ، آخر بگیرد حق مردمان  
بر گردن مردان آزاد جهان، نزن زانوی جُنون  
روزی گردن ستم پیشگان روان در جوی خون  
دنیا بر مبنای عقل است ، انصاف و ذات خرد  
هر که این اسرار دانست ، کاسه گدائی کی برد  
مردم دنیا با یک معیشت مناسب ، راضی اند  
مفت گران گر دنیا بگیرند ، باز ناراضی اند  
اشکم آنان سیرنگردد و ان اعضای زیرین بدن  
عاقبت میدهند از دست و گیرند امراض بدن  
گوهر ناب انسانی ، وجود بی همتای اوست  
گوهر انصاف برتر از آنچه پندارد، نکوست  
چونکه بالین سرمایه نزد مردمان ، گوهر است  
آنکه گوهر دوستداران گردد، آخر سرور است

عدل ، توحید ، عشق و سلامت در یک رهند  
سرمایه ای بیش از این کس نیاندازد در کمند  
گر با فقیران جهان ، باشی با اسرار معدلت  
از خشم نجات یابی ، با مهر حق باشی هم جهت  
محمود خود را همچنان بر عدل ودانائی سنجه کن  
تا شلاق ظلم نگردي ، نی کسی را رنجه کن

مورخ : اول شهریور 1399

**حقیقت و زیبایی شعری از مولف**

حقیقت و زیبایی ، نفرت و زشتی ( Truth and beauty, hate and ugliness )

حق در نظر بندگان چه زیباست	چو خرمن گل به باغ میناست
چو سرو بلند ناز شیراز	درباغ ازم ، به قامتی راست
حق و حقوق مردمان چه زیباست	حق همیشه هست ، روایتی راست
شاید یک نفر از فقر کند فسادی	لیک باید عدلی باشد بی کم و کاست
آنکه که برد اشران و بارش	در کاخ بلند و صاحب آنچه از ماست
لطف نیکو سخن راست گویان	این مایه خشنودی دل ماست
معیار حوادث هست حق و ناحق	هر واقعه چنین زشت و زیباست
ناحق در جهان نکند جز جفا کاری	افشای جفاکاری، کتاب فرداست
امروز در دام ناصحان گرفتار	گویند این زشتی ز ماست که بر ماست
چه کنم که شدم اسیر حبس دوران	اصحاب دروغ ، معشوق دلهاست
من باید چه کنم ، این اسیر دنیا	اصحاب یمین کجا و اندام خسته ما

بنشینم و نگارم حق و حقیقت زمانه

یا از اجحاف و حرمان زشت زمانه

مرا زیبا سخنی گفت یارم  
محمود مگر تودر بند خویشی  
آنجا که کتاب آزادی نوشتند  
هر روز اخبار جهان کنم تماشا  
گفتا مگر به اختیار خویشی  
عقل و حقیقت است که حق است  
عقل و حقیقت است که اصل است  
عقل و حقیقت که ذات عدل است  
عقل و حقیقت است که حق جو  
گر فریاد کند ز ظلم ، مظلوم  
گر وعده دهند، هی کماکان  
تو جبر روزگار مگر ندانی  
من هرگز نشوم یار زشت خویان

آنان که کم کنند از این نِقارم  
باید فریاد بلند باشد، جمله کارم  
از فرق سیاه و سفید بی قرارم  
از قتل و غارت ، مُرده ها شمارم  
تا چشم حقیقت بر هم گذارم  
هرگز یا برحق کسی نمیگذارم  
هرکس باید حسب لیاقتش گمارم  
جانرا بهر حقیقت طلبان سپارم  
هر شب بر سوخته دلان بنالم  
بر احقاق حق او ، بسی نگارم  
با تدبیر قلم ، حاجت مردمان نگارم  
آیدش به فردا از آنچه می نگارم  
دایم با معیار حق طلبان ، قلم فسایم  
بنشینم و نگارم حق و حقیقت زمانه  
یا از اجحاف و حرمان زشت زمانه

زشت و زیبا باشد حقیقت ما  
اینست سخن لطیف شیطان  
زیبایی کی بود منظر زشت خویان  
بلبل از رقص گلان نغمه سراید  
شاعر دلسوز بنالید از این درد  
آنجا که مظلوم میزند فریاد خروشان  
این مجمع خاصان و حسرت دل مردم  
من حیران از این امر ، همه عمر  
مغرور زمان بود و با ناز همی گفت

کدامین سود دهد به شهرت ما ؟  
با نغمه دلنواز برد، هوش سر ما  
این منظر نبیند هرگز چشم سر ما  
این نغمه بیداری ما، در سحر ما  
این همه مدح کنندگان، در سفر ما  
کی حقیقت شنود این گوش گر ما  
هرگز نبیند خاص ، این چشم تر ما  
کی خبر گیرد از ما ، آن با خبر ما  
ای محمود دست بردار تو از سر ما



بنشینم و نگارم حق و حقیقت زمانه

یا از اجحاف و حرمان زشت زمانه

برگشت و تازه گشت قصه کناران	افسوس که روزگار غمگساران
در بیداری شب، نور چشمان	این سنگ صبور داده از دست
زودا سپید گشته مثل زلف یاران	این موی سیاه بوده در سر
گویا با هم فرقی نکند هیچ روزگاران	آخر شده چه حاصل در این دهر
سهل است به سخن، تمیز فیل و فنجان	سخت است تمیز زشت و زیبا
کرده ما را ماده شب سیه، پریشان	جمعی خواب هستند و ما بیدار
که چنین است، رسم روزگاران	محمود برو کتاب توبه بردار
گوشه ای نشینم، رها ز پند یاران	مصلحت کدامست این دو روزه عمر

بنشینم و نگارم حق و حقیقت زمانه

یا از اجحاف و حرمان زشت زمانه

محمود صانعی پور

1389/08/26

این رساله با شرح و بسطی مفصل در تعلیم 60 ادامه دارد